



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

بازتاب اندیشه‌های ناصر خسرو قبادیانی در شعر پروین اعتصامی

تحلیلی تطبیقی با رویکرد بینامتنیت

فروغ یوسفی

کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ایران.

yousefe@gmail.com

چکیده

ناصر خسرو قبادیانی و پروین اعتصامی، با وجود فاصله زمانی چشمگیر، از برجسته‌ترین نمایندگان شعر تعلیمی و اخلاق‌گرا در ادبیات فارسی به شمار می‌آیند. حضور مشترک مؤلفه‌هایی چون عقل‌گرایی، دانش‌ستایی، اخلاق‌محوری، عدالت‌خواهی، نقد قدرت و نکوهش دنیاپرستی در آثار این دو شاعر، زمینه طرح مسئله تأثیر اندیشه‌های ناصر خسرو بر شعر پروین را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی بازتاب این مؤلفه‌ها در اشعار پروین و تعیین نسبت میان تأثیر مستقیم، هم‌سویی فکری و تداوم سنت ادبی انجام شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است و داده‌ها با شیوه کتابخانه‌ای، از دیوان اشعار دو شاعر و منابع معتبر پژوهشی گردآوری شده‌اند. همچنین، برای تبیین روابط متنی و فکری، از مبانی نظری بینامتنیت، به‌ویژه دیدگاه‌های ژولیا کریستوا و ژرار ژنت، بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عقل، دانش، فضیلت اخلاقی، مسئولیت انسان و نقد ساختارهای ناعادلانه از مهم‌ترین محورهای مشترک در شعر دو شاعرند؛ باین‌حال، این مفاهیم در آثار آنان کارکردهای یکسانی ندارند. ناصر خسرو عقل و اخلاق را در چارچوب جهان‌بینی دینی، اسماعیلی و آخرت‌گرای خود صورت‌بندی می‌کند، درحالی‌که پروین این عناصر را بیشتر در زمینه تربیت فرد، عدالت اجتماعی، دفاع از محرومان و نقد فساد اداری و قضایی به کار می‌گیرد. زبان ناصر خسرو عمدتاً صریح، خطابی و استدلالی است، اما پروین با بهره‌گیری گسترده از مناظره، تمثیل، طنز و شخصیت‌بخشی، تعلیم اخلاقی را در ساختاری روایی و نمایشی عرضه می‌کند. بر این اساس، رابطه میان آثار دو شاعر را نمی‌توان صرفاً به تأثیر مستقیم و تقلید فروکاست؛ بلکه باید آن را نوعی استمرار و بازآفرینی خلاقانه سنت حکمی و تعلیمی فارسی دانست. پروین با دریافت این میراث، آن را متناسب با مسائل اجتماعی و فرهنگی عصر معاصر دگرگون ساخته و به آن کارکردی تازه بخشیده است.

واژگان کلیدی: ناصر خسرو قبادیانی، پروین اعتصامی، ادبیات تعلیمی، بینامتنیت، عقل‌گرایی، اخلاق‌گرایی

۱. مقدمه

ادبیات فارسی در طول تاریخ، افزون بر کارکرد زیبایی‌شناختی، یکی از مهم‌ترین بسترهای انتقال اندیشه‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی بوده است. در این میان، ادبیات تعلیمی با هدف آموزش حکمت، اصلاح رفتار فردی و نقد نابسامانی‌های اجتماعی، جایگاهی برجسته دارد. این جریان از شعر کلاسیک تا دوره معاصر تداوم یافته و متناسب با شرایط تاریخی، صورت‌ها و کارکردهای تازه‌ای پذیرفته است (رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴؛ صدایی، ۱۳۹۸).

ناصر خسرو قبادیانی از برجسته‌ترین شاعران تعلیمی سده پنجم هجری است. در شعر او، عقل، دین، اخلاق و مسئولیت انسانی پیوندی استوار دارند و مفاهیمی چون خردورزی، دانش‌اندوزی، نکوهش جهل و تقلید، بی‌اعتباری دنیا، مبارزه با حرص و نقد صاحبان قدرت به‌طور گسترده بازتاب یافته‌اند. شعر ناصر خسرو به دلیل برخورداری از ساختار استدلالی و جهان‌بینی منسجم، نمونه‌ای شاخص از شعر اندیشه‌محور و تعلیمی در ادب فارسی به شمار می‌آید (صدایی، ۱۳۹۸).

پروین اعتصامی نیز در ادبیات معاصر، با بهره‌گیری از قالب‌های کلاسیک، تمثیل و مناظره، مضامین اخلاقی و اجتماعی را بازآفرینی کرده است. توجه به فقر، ستم، نابرابری، ریاکاری، مسئولیت انسان و دفاع از محرومان از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر اوست. مناظره



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

در آثار پروین تنها یک شگرد ادبی نیست، بلکه ابزاری برای طرح دیدگاه‌های متقابل و رسیدن به نتیجه‌ای اخلاقی و اجتماعی محسوب می‌شود (نورایی و عزیزی، ۱۳۹۴؛ مجدالدین، ۱۳۸۷). پیوند هم‌زمان پروین با سنت شعر کلاسیک و مسائل جامعه معاصر، شعر او را در جایگاهی میان سنت و تجدد قرار داده است (مشرف، ۱۳۹۰).

میان اندیشه‌های ناصر خسرو و پروین اعتصامی شباهت‌های قابل توجهی دیده می‌شود؛ از جمله تأکید بر عقل و دانش، نكوهش جهل و آز، بی‌اعتباری ثروت و مقام، عدالت‌خواهی، دفاع از فرودستان و نقد قدرت. با این حال، وجود این همانندی‌ها لزوماً به معنای تأثیر مستقیم ناصر خسرو بر پروین نیست؛ زیرا اثبات تأثیر تاریخی به شواهد متنی و اسنادی روشن نیاز دارد. از این رو، رابطه میان این دو شاعر را می‌توان در چارچوب تداوم و بازآفرینی سنت تعلیمی فارسی بررسی کرد (رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴؛ اصلانی راجعونی و همکاران، ۱۴۰۲).

نظریه بینامتنیت، متن را حاصل ارتباط با متون و گفتمان‌های پیشین می‌داند و امکان بررسی چنین پیوندهایی را فراهم می‌سازد. بر اساس دیدگاه کریستوا، هیچ متنی مستقل از دیگر متون شکل نمی‌گیرد و معنای آن در شبکه‌ای از روابط متنی و فرهنگی تولید می‌شود (کریستوا، ۱۹۸۰). ژنت نیز با طبقه‌بندی روابط میان متون، زمینه تحلیل حضور و دگرگونی متن پیشین در آثار متأخر را فراهم کرده است (ژنت، ۱۹۹۷).

بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی — تحلیلی و رویکرد تطبیقی، در پی بررسی بازتاب مؤلفه‌های فکری ناصر خسرو در شعر پروین اعتصامی است. محورهای اصلی تحلیل شامل عقل‌گرایی، اخلاق، عدالت اجتماعی، نقد قدرت، نگرش به دنیا و مسئولیت انسان است. هدف آن است که روشن شود پروین چگونه عناصر سنت تعلیمی و حکمی شعر فارسی را دریافت کرده و متناسب با شرایط اجتماعی و فکری عصر خود بازآفرینی کرده است.

۱-۱. طرح مسئله

شعر تعلیمی یکی از جریان‌های پایدار و اثرگذار در تاریخ ادبیات فارسی است که در آن، آفرینش ادبی با تعلیم اخلاق، ترویج خردورزی، اصلاح رفتار فردی و نقد نابسامانی‌های اجتماعی پیوند می‌یابد. این جریان، هرچند در دوره‌های گوناگون متناسب با شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی صورت‌های متفاوتی پیدا کرده است، در بنیاد خود بر مسئولیت شاعر در برابر انسان و جامعه تأکید دارد. ناصر خسرو قبادیانی و پروین اعتصامی، با وجود فاصله زمانی چند قرنی، از برجسته‌ترین نمایندگان این سنت به شمار می‌آیند؛ زیرا در آثار هر دو، شعر ابزاری برای بیان اندیشه، بیدارکردن مخاطب و مقابله با جهل، ظلم، ریا و فساد اخلاقی است (رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴؛ صدراپی، ۱۳۹۸).

ناصر خسرو در جایگاه شاعری حکیم و متفکری دینی، شعر را از مدح‌گویی و وصف‌های متعارف درباری دور می‌سازد و آن را در خدمت تبیین جهان‌بینی عقلانی و اخلاقی خود قرار می‌دهد. عقل و دانش در نظام فکری او ابزار شناخت حقیقت و رهایی انسان از جهل، تقلید و فریب ظواهرند. از این رو، بخش قابل توجهی از قصاید او به نکوهش دنیاپرستی، حرص، نادانی، ریاکاری و ستم صاحبان قدرت اختصاص دارد. در این اشعار، انسان موجودی مسئول است که سعادت یا تباهی او به میزان بهره‌گیری از خرد و نحوه انتخاب اخلاقی‌اش وابسته است. پیوند میان حکمت، دین و اخلاق، به شعر ناصر خسرو ساختاری استدلالی و تعلیمی بخشیده و او را به یکی از مهم‌ترین شاعران اندیشه‌محور در ادب فارسی تبدیل کرده است (صدراپی، ۱۳۹۸).

پروین اعتصامی نیز در دوره معاصر، شعر را وسیله‌ای برای بیان مسائل اخلاقی و اجتماعی قرار داده است. او با استفاده از قالب‌های سنتی، به‌ویژه قطعه و قصیده، و با بهره‌گیری گسترده از تمثیل و مناظره، موضوعاتی چون فقر، نابرابری، ستم، بی‌عدالتی، ریا، غفلت و مسئولیت انسان را مطرح می‌کند. در شعر پروین، اشیا، حیوانات، گیاهان و شخصیت‌های انسانی زبان می‌گشایند و در فرایند گفت‌وگو، تضاد میان قدرت و ضعف، دانایی و نادانی، عدالت و ستم یا قناعت و آز آشکار می‌شود. بدین ترتیب، مناظره در شعر او



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



افزون بر کارکرد هنری، وسیله‌ای برای شکل‌گیری استدلال اخلاقی و نقد ساختارهای ناعادلانه جامعه است (نورایی و عزیزی، ۱۳۹۴؛ مجدالدین، ۱۳۸۷).

بررسی اولیه اشعار این دو شاعر، هم‌گرایی‌های قابل توجهی را در سطح مضمون و نگرش نشان می‌دهد. تأکید بر عقل و دانش، نکوهش جهل و تقلید، دعوت به قناعت، بی‌اعتباری ثروت و مقام، دفاع از محرومان، اعتراض به ستم و توجه به مسئولیت اخلاقی انسان از مهم‌ترین زمینه‌های مشترک میان آنان است. باین‌حال، شباهت‌های موجود را نمی‌توان بی‌درنگ نشانه تأثیر مستقیم ناصر خسرو بر پروین اعتصامی دانست؛ زیرا اثبات تأثیر مستقیم مستلزم وجود شواهد تاریخی و متنی روشنی است که آشنایی آگاهانه شاعر متأخر با آثار شاعر پیشین و نحوه اقتباس او را نشان دهد. در نبود چنین شواهد قطعی، این احتمال نیز مطرح است که همانندی‌های موجود از تعلق هر دو شاعر به سنت گسترده ادبیات تعلیمی، استفاده از منابع مشترک دینی و اخلاقی و توجه به مسائل پایدار انسانی ناشی شده باشد.

پژوهش‌های پیشین، هریک بخشی از پیوند میان این دو شاعر را بررسی کرده‌اند. برخی پژوهشگران به تأثیر شعر تعلیمی ناصر خسرو بر پروین اشاره کرده و شباهت‌های آنان را در زمینه اخلاق، قصیده‌سرایی و نقد اجتماعی نشان داده‌اند؛ برخی دیگر نیز مفهوم انسان، عدالت‌خواهی، مناظره و ویژگی‌های نئوکلاسیک شعر پروین را تحلیل کرده‌اند (رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴؛ مشرف، ۱۳۹۰؛ اصلانی راجعونی و همکاران، ۱۴۰۲). باین‌همه، هنوز چگونگی انتقال و دگرگونی مؤلفه‌های فکری ناصر خسرو در شعر پروین، با تفکیک میان تأثیر مستقیم، هم‌سویی فکری و تداوم سنت ادبی، به‌صورت جامع و نظام‌مند بررسی نشده است. همچنین تفاوت زمینه‌های تاریخی و فکری دو شاعر و تأثیر این تفاوت‌ها بر شیوه بازنمایی مفاهیم مشترک، نیازمند تحلیل دقیق‌تری است. برای تبیین این رابطه، رویکرد بینامتنیت می‌تواند چارچوب مناسبی فراهم سازد. در این رویکرد، متن پدیده‌ای مستقل و منزوی نیست، بلکه در شبکه‌ای از روابط با متون، گفتمان‌ها و سنت‌های پیشین شکل می‌گیرد. بر این اساس، حضور اندیشه‌ها یا ساختارهای مشترک در آثار دو شاعر لزوماً به معنای تقلید مستقیم نیست، بلکه ممکن است حاصل بازخوانی و بازآفرینی یک میراث فکری در شرایط تاریخی جدید باشد (کریستوا، ۱۹۸۰؛ ژنت، ۱۹۹۷). از این منظر، شعر پروین را می‌توان عرصه بازتولید برخی عناصر سنت تعلیمی کلاسیک دانست؛ عناصری که در مواجهه با مسائل اجتماعی عصر جدید، معنایی تازه و کارکردی متفاوت یافته‌اند.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که اندیشه‌های محوری ناصر خسرو، به‌ویژه عقل‌گرایی، اخلاق‌محوری، عدالت‌خواهی، نقد قدرت، نکوهش دنیاپرستی و تأکید بر مسئولیت انسان، با چه صورت‌ها و سازوکارهایی در شعر پروین اعتصامی بازتاب یافته‌اند. همچنین باید روشن شود که این بازتاب تا چه اندازه می‌تواند نتیجه تأثیرپذیری مستقیم باشد و تا چه میزان باید آن را حاصل استمرار و بازآفرینی سنت تعلیمی فارسی دانست. پژوهش حاضر می‌کوشد با تحلیل شواهد شعری و مقایسه ساختارهای فکری و بیانی دو شاعر، ضمن شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌های ناشی از زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فکری آنان را نیز تبیین کند و از تقلیل رابطه میان آن‌ها به همانندی‌های سطحی یا داوری کلی درباره تقلید پرهیز نماید.

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی تطبیقی اندیشه‌های ناصر خسرو و پروین اعتصامی از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند چگونگی تداوم و تحول سنت اخلاقی و تعلیمی شعر فارسی را در فاصله دو دوره تاریخی متفاوت آشکار سازد. ناصر خسرو با تأکید بر عقل‌گرایی، دانش، مسئولیت اخلاقی انسان و نقد جهل و قدرت، یکی از مهم‌ترین الگوهای شعر اندیشه‌محور در ادب کلاسیک است؛ درحالی‌که پروین اعتصامی با بهره‌گیری از همان ظرفیت‌های تعلیمی، تمثیلی و استدلالی، مسائل اجتماعی عصر جدید، از جمله فقر، نابرابری و بی‌عدالتی را در قالب‌های سنتی بازنمایی کرده است. مقایسه این دو نظام شعری می‌تواند نشان دهد که مفاهیم مشترک اخلاقی و



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

اجتماعی چگونه در نتیجه تغییر شرایط تاریخی و فرهنگی، دلالت‌ها و کارکردهای تازه‌ای یافته‌اند (صدرایی، ۱۳۹۸؛ مشرف، ۱۳۹۰؛ اصلانی راجعونی و همکاران، ۱۴۰۲).

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که صرف مشاهده شباهت‌های مضمونی برای اثبات تأثیر مستقیم ناصر خسرو بر پروین کافی نیست و باید میان تأثیرپذیری آگاهانه، هم‌سویی فکری و تعلق دو شاعر به سنت مشترک ادبیات تعلیمی تمایز گذاشت. اگرچه برخی پژوهش‌ها به همانندی‌های اخلاقی، اجتماعی و سبکی آنان پرداخته‌اند، تحلیل نظام‌مند این رابطه بر پایه شواهد شعری و با توجه هم‌زمان به اشتراک‌ها، تفاوت‌ها و زمینه تاریخی دو شاعر همچنان نیازمند بررسی دقیق‌تر است. چنین تحلیلی ضمن پرهیز از تقلیل شعر پروین به تقلید از گذشتگان، جایگاه او را در بازآفرینی خلاقانه میراث حکمی و تعلیمی فارسی روشن‌تر می‌سازد و درک دقیق‌تری از پیوستگی و تحول اندیشه در تاریخ شعر فارسی به دست می‌دهد (رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴؛ بیگزاده و صفی‌زاده، ۱۳۹۴).

۳-۱. اهداف پژوهش

۱-۳-۱. هدف اصلی

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل تطبیقی بازتاب مؤلفه‌های فکری و تعلیمی ناصر خسرو قبادیانی در شعر پروین اعتصامی و تبیین نسبت این بازتاب‌ها با تأثیرپذیری ادبی، هم‌سویی اندیشه‌ای و تداوم سنت اخلاقی - حکمی در ادبیات فارسی است.

۱-۳-۲. اهداف فرعی

۱. شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های فکری و اخلاقی در شعر ناصر خسرو، از جمله عقل‌گرایی، دانش‌ستایی، عدالت‌خواهی، نقد قدرت، نکوهش دنیاپرستی و مسئولیت اخلاقی انسان.
۲. بررسی چگونگی بازتاب و بازآفرینی این مؤلفه‌ها در اشعار پروین اعتصامی.
۳. تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های دو شاعر در بیان مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و انسانی.
۴. بررسی نقش تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در دگرگونی مفاهیم مشترک در شعر دو شاعر.
۵. تحلیل شیوه‌های بیانی مشترک، به‌ویژه زبان تعلیمی، استدلال، تمثیل، خطاب و مناظره.
۶. تمایزگذاری میان تأثیر مستقیم، هم‌سویی فکری و تعلق دو شاعر به سنت مشترک ادبیات تعلیمی.
۷. تبیین جایگاه پروین اعتصامی در استمرار و بازآفرینی سنت حکمی و اخلاقی شعر فارسی.

۴-۱. پرسش‌های پژوهش

۱-۴-۱. پرسش اصلی

مؤلفه‌های فکری و تعلیمی ناصر خسرو قبادیانی چگونه در شعر پروین اعتصامی بازتاب یافته‌اند و این بازتاب‌ها تا چه اندازه بیانگر تأثیرپذیری مستقیم، هم‌سویی اندیشه‌ای یا تداوم سنت اخلاقی - حکمی در ادبیات فارسی‌اند؟

۲-۴-۱. پرسش‌های فرعی

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک فکری و اخلاقی در اشعار ناصر خسرو و پروین اعتصامی کدام‌اند؟
۲. عقل‌گرایی، عدالت‌خواهی، نقد قدرت و مسئولیت اخلاقی انسان در شعر هر یک از این دو شاعر چگونه بازنمایی شده است؟
۳. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان شیوه‌های تعلیمی و استدلالی ناصر خسرو و پروین اعتصامی وجود دارد؟
۴. تفاوت شرایط تاریخی و اجتماعی دو شاعر چه تأثیری بر نحوه بیان مفاهیم مشترک گذاشته است؟
۵. آیا همانندی‌های موجود میان آثار دو شاعر را می‌توان نتیجه تأثیر مستقیم دانست، یا باید آن‌ها را در چارچوب تداوم سنت تعلیمی فارسی تحلیل کرد؟



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

۶. پروین اعتصامی چگونه عناصر حکمی و اخلاقی سنت شعر فارسی را متناسب با مسائل اجتماعی و فکری عصر خود بازآفرینی کرده است؟

۵-۱. پیشینه پژوهش

۱-۵-۱. مطالعات مربوط به ناصر خسرو

پژوهش‌های مربوط به ناصر خسرو عمدتاً بر بنیان‌های حکمی، دینی و تعلیمی شعر او تمرکز دارند. نبی‌لو و دادخواه در مقاله «بررسی بوطیقای شعر تعلیمی در اشعار ناصر خسرو»، با مطالعه قصاید این شاعر، پیوند میان سخن، خرد، حقیقت‌گویی، شریعت و حکمت را بررسی کرده و نشان داده‌اند که ناصر خسرو برای شاعر، پیام و مخاطب جایگاهی اخلاقی و معرفتی قائل است و شعر را وسیله‌ای برای تعلیم و بیان اندیشه متعهدانه می‌داند. گلستانی و همکاران نیز در تحلیل دو مفهوم عقل و دین، عقل را در جهان‌بینی ناصر خسرو ابزاری برای تشخیص حقیقت و رهایی از جهل و نادانی دانسته و بر هماهنگی عقل، دین و دانش در آثار او تأکید کرده‌اند. صدراپی نیز با بررسی تعامل شعر تعلیمی ناصر خسرو با سنت‌های نوافلاطونی و حکمت نبوی، نقش عقل، اخلاق، تأویل و اندیشه‌های دینی را در شکل‌گیری نظام فکری وی تحلیل کرده است. این مطالعات، اگرچه بنیان‌های معرفتی و تعلیمی شعر ناصر خسرو را روشن ساخته‌اند، بیشتر بر ساختار درونی اندیشه او متمرکز بوده و استمرار این مؤلفه‌ها در شعر دوره معاصر را به‌طور مستقل بررسی نکرده‌اند (نبی‌لو و دادخواه، ۱۳۹۵؛ گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صدراپی، ۱۳۹۸).

۲-۵-۱. مطالعات مربوط به پروین اعتصامی

درباره پروین اعتصامی نیز پژوهش‌های متعددی با محورهای اخلاق، اجتماع، مناظره و پیوند سنت و تجدد انجام شده است. مجدالدین با تحلیل نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین، نشان داده است که فقر، فاصله طبقاتی، ستم و تقابل اغنیا و محرومان از مسائل اساسی شعر اجتماعی اوست. مشرف، شعر پروین را از منظر تجدد و رویکرد نئوکلاسیک بررسی کرده و به پیوند عقلانیت، مناظره و مضامین جدید با قالب‌ها و زبان کلاسیک پرداخته است. نورایی و عزیزی نیز با رویکرد روایت‌شناختی، ساختار روایت و جایگاه روایت‌شنو را در مناظرات پروین تحلیل کرده و نشان داده‌اند که مناظره در شعر او افزون بر ارزش ادبی، کارکردی تعلیمی و اقناعی دارد. بیگزاده و صفی‌زاده نیز با بررسی مؤلفه‌های کلاسیسم و نئوکلاسیسم، خردگرایی، اخلاق محوری و توجه پروین به مسائل اجتماعی عصر مشروطه را از ویژگی‌های برجسته شعر او دانسته‌اند. باین‌حال، بیشتر این پژوهش‌ها شعر پروین را به‌صورت مستقل مطالعه کرده و نسبت دقیق اندیشه‌های او با میراث فکری ناصر خسرو را در کانون تحلیل قرار نداده‌اند (مجدالدین، ۱۳۸۷؛ مشرف، ۱۳۹۰؛ نورایی و عزیزی، ۱۳۹۴؛ بیگزاده و صفی‌زاده، ۱۳۹۴).

۳-۵-۱. مطالعات تطبیقی و خلأ پژوهشی

در میان مطالعات تطبیقی، رزاق‌زاده شبستری در مقاله «بررسی اشعار پروین اعتصامی از زاویه ادبیات تعلیمی و تأثرات آن از شعر ناصر خسرو»، پروین را میراث‌دار سنت تعلیمی ناصر خسرو معرفی کرده و به همانندی‌های دو شاعر در قصیده‌سرایی، اخلاق‌گرایی، مناظره و نقد مسائل اجتماعی پرداخته است. همچنین اصلانی راجعونی و همکاران، مفهوم انسان را در شعر دو شاعر مقایسه کرده و نشان داده‌اند که هر دو به مقام معنوی انسان توجه دارند؛ با این تفاوت که انسان در شعر ناصر خسرو بیشتر در چارچوب فلسفه اسلامی و اندیشه اسماعیلی تعریف می‌شود، درحالی‌که پروین ابعاد اجتماعی و زمینی وجود انسان را نیز برجسته می‌سازد (رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴؛ اصلانی راجعونی و همکاران، ۱۴۰۲).

با وجود ارزش این تحقیقات، هنوز چند خلأ اساسی باقی است. نخست آنکه مطالعه رزاق‌زاده شبستری بیشتر توصیفی و مبتنی بر کلیات ادبیات تعلیمی است و میان «تأثیر مستقیم»، «هم‌سویی فکری» و «تداوم یک سنت ادبی مشترک» تفکیک نظری روشنی برقرار نمی‌کند. دوم آنکه پژوهش اصلانی راجعونی و همکاران تنها بر مفهوم انسان متمرکز است و مؤلفه‌هایی چون عقل‌گرایی،



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



عدالت خواهی، نقد قدرت، دنیاگریزی، دانش ستایی و مسئولیت اخلاقی را به صورت یک منظومه فکری بررسی نمی کند. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در تحلیل نظام مند مجموعه مؤلفه های فکری دو شاعر، استفاده هم زمان از شواهد شعری و توجه به تفاوت زمینه های تاریخی آنان است. این پژوهش می کوشد با بهره گیری از رویکرد تطبیقی و بینامتنی، روشن سازد که شباهت های موجود تا چه اندازه حاصل تأثیرپذیری احتمالی پروین از ناصر خسرو و تا چه میزان نتیجه حضور هر دو شاعر در سنت گسترده ادبیات اخلاقی و تعلیمی فارسی است.

۶-۱. روش تحقیق

۱-۶-۱. نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، کیفی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی — تحلیلی است. در مرحله توصیف، مؤلفه های اصلی اندیشه ناصر خسرو و پروین اعتصامی، بر پایه اشعار آنان، شناسایی و طبقه بندی می شوند؛ سپس در مرحله تحلیل، چگونگی بازتاب، تداوم و دگرگونی این مؤلفه ها در آثار دو شاعر بررسی خواهد شد. پژوهش همچنین از روش تطبیقی بهره می گیرد؛ بدین معنا که شباهت ها و تفاوت های دو شاعر نه فقط در سطح مضمون، بلکه با توجه به ساختار فکری، شیوه بیان و زمینه های تاریخی و اجتماعی آنان تحلیل می شود. بنابراین، هدف تحقیق صرفاً استخراج همانندی های لفظی و مضمونی نیست، بلکه تبیین نسبت میان اندیشه، زبان و بافت تاریخی در شعر دو شاعر است.

۲-۶-۱. رویکرد نظری

چارچوب نظری پژوهش بر مفهوم بینامتنیت استوار است. بر اساس این رویکرد، هیچ متن ادبی به صورت کاملاً مستقل و جدا از متون، گفتمان ها و سنت های پیشین شکل نمی گیرد، بلکه معنا در شبکه ای از روابط آشکار و پنهان میان متون تولید می شود. دیدگاه کریستوا، متن را عرصه جذب و دگرگون سازی متون پیشین می داند و نظریه ژنت نیز امکان طبقه بندی و تحلیل انواع روابط میان متون را فراهم می سازد (کریستوا، ۱۹۸۰؛ ژنت، ۱۹۹۷). در پژوهش حاضر، بینامتنیت نه صرفاً در معنای اقتباس لفظی، بلکه در معنای گسترده تر استمرار، بازخوانی و بازآفرینی مؤلفه های فکری و تعلیمی به کار گرفته می شود. بر این اساس، شباهت میان اشعار ناصر خسرو و پروین اعتصامی با احتیاط بررسی خواهد شد تا میان تأثیر مستقیم، همسویی اندیشه ای و تعلق به سنت مشترک ادبیات تعلیمی تمایز برقرار شود.

۳-۶-۱. شیوه گردآوری داده ها

گردآوری داده ها به روش کتابخانه ای و اسنادی انجام می شود. منابع اصلی پژوهش، دیوان اشعار ناصر خسرو و دیوان پروین اعتصامی بر اساس نسخه های معتبر و تصحیح شده اند. در کنار این منابع، کتاب ها، مقاله های علمی — پژوهشی، پایان نامه ها و پژوهش های معتبر مرتبط با اندیشه ناصر خسرو، شعر پروین، ادبیات تعلیمی، مطالعات تطبیقی و نظریه بینامتنیت بررسی می شوند. انتخاب اشعار به صورت هدفمند و بر پایه ارتباط مستقیم آن ها با محورهای پژوهش، از جمله عقل و دانش، اخلاق، عدالت، نقد قدرت، فقر، دنیاگرایی، قناعت، مسئولیت انسان و شیوه های تعلیمی بیان، صورت می گیرد. برای جلوگیری از گزینش سلیقه ای، ابیات منتخب در پیوند با بافت کلی شعر و نظام اندیشه هر شاعر مطالعه خواهند شد.

۴-۶-۱. شیوه تحلیل داده ها

در مرحله تحلیل، ابتدا ابیات مرتبط با هر یک از مؤلفه های فکری استخراج و در محورهای موضوعی دسته بندی می شوند. سپس جایگاه و کارکرد هر مؤلفه در نظام فکری ناصر خسرو و پروین اعتصامی به طور جداگانه بررسی می گردد و پس از آن، مقایسه تطبیقی میان اشعار دو شاعر انجام می شود. در این مقایسه، افزون بر مضمون، به شیوه های بیانی چون خطاب، استدلال، تمثیل، مناظره، تقابل سازی و شخصیت بخشی نیز توجه خواهد شد. در مرحله نهایی، شواهد به دست آمده با در نظر گرفتن تفاوت های تاریخی، اجتماعی و فکری دو شاعر تفسیر می شوند تا مشخص شود هر همانندی تا چه اندازه می تواند بیانگر تأثیرپذیری، همسویی



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

فکری یا استمرار سنت ادبی باشد. اعتبار تحلیل نیز از طریق استناد مستقیم به ابیات، مراجعه به نسخه‌های معتبر دیوان‌ها و تطبیق نتایج با پژوهش‌های پیشین تأمین خواهد شد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر از پیوند سه حوزه شکل می‌گیرد: نظریه بینامتنیت، مبانی ادبیات تعلیمی و ویژگی‌های حکمت‌گرایی در سنت شعر خراسانی. بهره‌گیری هم‌زمان از این سه حوزه امکان می‌دهد که رابطه میان اشعار ناصر خسرو و پروین اعتصامی صرفاً بر اساس شباهت‌های لفظی یا مضمونی تحلیل نشود، بلکه چگونگی استمرار، بازخوانی و دگرگونی یک میراث فکری و ادبی در دو دوره تاریخی متفاوت بررسی گردد. بر این اساس، همانندی‌های دو شاعر ممکن است از تأثیرپذیری مستقیم، تعلق به سنت تعلیمی مشترک، استفاده از منابع اخلاقی و دینی مشابه یا مواجهه با مسائل پایدار انسانی ناشی شده باشد؛ از این‌رو، تشخیص نوع رابطه، نیازمند تحلیل دقیق شواهد متنی و زمینه‌های تاریخی است.

۱-۲. مفهوم بینامتنیت در نقد ادبی

بینامتنیت از مفاهیم بنیادین نقد ادبی معاصر است و بر این اصل استوار است که هیچ متن ادبی در خلأ و به‌صورت کاملاً مستقل پدید نمی‌آید. هر متن، آگاهانه یا ناآگاهانه، با مجموعه‌ای از متون، زبان‌ها، گفتمان‌ها و قراردادهای فرهنگی پیش از خود ارتباط دارد و بخشی از معنای آن در نتیجه این روابط شکل می‌گیرد. بنابراین، متن را نمی‌توان ساختاری بسته و خودبسته دانست؛ بلکه باید آن را نقطه تلاقی گفتارها و تجربه‌های متنی گوناگون تلقی کرد. مفهوم بینامتنیت ریشه در اصل گفت‌وگومندی باخنین دارد و ژولیا کریستوا با توسعه این دیدگاه، متن را عرصه جذب، ترکیب و دگرگون‌سازی متون پیشین معرفی کرد (کریستوا، ۱۹۸۰؛ آلن، ۲۰۰۰).

بینامتنیت با مآخذشناسی و جست‌وجوی ساده سرچشمه‌های یک اثر تفاوت دارد. در مآخذشناسی، پژوهشگر می‌کوشد منبع مشخص یک تعبیر، مضمون یا ساختار را شناسایی کند؛ اما در تحلیل بینامتنی، روابط گسترده‌تر متن با سنت‌ها، گفتمان‌ها، انواع ادبی و الگوهای فرهنگی بررسی می‌شود. بر این مبنا، مشاهده یک مضمون مشترک در آثار دو شاعر، به‌تنهایی اثبات‌کننده اقتباس یا تأثیر مستقیم نیست؛ زیرا ممکن است آن مضمون به حافظه جمعی، منابع دینی مشترک یا سنت ادبی تثبیت‌شده تعلق داشته باشد. از این‌رو، در پژوهش حاضر، بینامتنیت ابزاری برای تحلیل درجات گوناگون حضور اندیشه‌ها، مضامین و شیوه‌های بیانی ناصر خسرو در شعر پروین است، نه وسیله‌ای برای صدور حکم قطعی درباره تقلید او از شاعر پیشین (آلن، ۲۰۰۰؛ ژنت، ۱۹۹۷).

۲-۲. نظریه‌های ژولیا کریستوا و ژرار ژنت

کریستوا با تأثیرپذیری از نظریه گفت‌وگومندی باخنین، متن را محل تقاطع و گفت‌وگوی گفتارهای گوناگون می‌داند. از دیدگاه او، هر متن در فرایندی دوسویه، عناصر متون پیشین را جذب و در ساختاری تازه دگرگون می‌کند؛ بنابراین، حضور متن پیشین در اثر جدید لزوماً به شکل نقل‌قول مستقیم یا اشاره آشکار نیست، بلکه ممکن است در قالب مضمون، ساختار، زبان، نوع ادبی یا نظام ارزشی ظاهر شود. در چنین برداشتی، نویسنده یا شاعر مالک مطلق معنا نیست، زیرا زبان و مواد سازنده اثر او پیش‌تر در متن‌ها و گفتمان‌های دیگر به کار رفته‌اند. ارزش رویکرد کریستوا برای پژوهش حاضر در آن است که امکان می‌دهد پیوند ناصر خسرو و پروین در سطح شبکه گسترده سنت اخلاقی و تعلیمی فارسی مطالعه شود، نه آنکه هر شباهتی به رابطه‌ای خطی و مستقیم فروکاسته شود (کریستوا، ۱۹۸۰).

ژرار ژنت مفهوم بینامتنیت را در چارچوب گسترده‌تری با عنوان «ترامتنیت» قرار می‌دهد. ترامتنیت در نظریه او شامل پنج نوع رابطه است: بینامتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت و بیش‌متنیت. بینامتنیت در معنای محدود ژنت، حضور بالفعل یک متن در متن دیگر از طریق نقل‌قول، اشاره یا اقتباس است؛ پیرامتنیت به رابطه متن با عناصری چون عنوان، مقدمه و حاشیه‌ها مربوط می‌شود؛ فرامتنیت رابطه تفسیری و انتقادی یک متن با متن دیگر است؛ سرمتنیت به تعلق متن به نوع یا گونه ادبی اشاره دارد؛ و بیش‌متنیت به تعلق متن به یک گفتمان یا حوزه فرهنگی اشاره دارد.



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

بیش‌متنیت رابطه‌ای است که در آن، متن متأخر بر پایه متن پیشین شکل می‌گیرد، بی‌آنکه صرفاً شرح یا نقل آن باشد (ژنت، ۱۹۹۷).

در پژوهش حاضر، دو بخش از نظریه ژنت اهمیت بیشتری دارد. نخست، «سرمتنیت» که تعلق اشعار ناصر خسرو و پروین را به سنت ادبیات تعلیمی و قالب‌هایی چون قصیده، قطعه، منظره و تمثیل توضیح می‌دهد؛ دوم، «بیش‌متنیت» که امکان بررسی دگرگونی عناصر فکری و بیانی متن پیشین در متن متأخر را فراهم می‌کند. باین‌حال، کاربرد این مفاهیم زمانی معتبر است که رابطه متنی با شواهد روشن نشان داده شود. بنابراین، در مواردی که شاهدی بر حضور مستقیم اشعار ناصر خسرو در شعر پروین وجود نداشته باشد، از تعبیرهایی چون «هم‌سوئی فکری»، «هم‌گرایی مضمونی» و «استمرار سنت تعلیمی» استفاده خواهد شد، نه تأثیر مستقیم و قطعی (ژنت، ۱۹۹۷؛ آلن، ۲۰۰۰).

۳-۲. ادبیات تعلیمی در سنت فارسی

ادبیات تعلیمی به آثاری گفته می‌شود که تعلیم، هدایت و انتقال آموزه‌های اخلاقی، دینی، حکمی، اجتماعی یا علمی از اهداف اصلی آن‌هاست. البته تعلیمی‌بودن یک اثر به معنای فقدان ارزش ادبی و هنری نیست؛ زیرا در نمونه‌های برجسته این نوع ادبی، اندیشه و آموزش با عناصری چون تخیل، تمثیل، روایت، منظره، موسیقی، تصویر و استدلال بلاغی همراه می‌شود. ادبیات تعلیمی یکی از گسترده‌ترین انواع در سنت فارسی است و مضامین آن در آثار حماسی، عرفانی، غنایی و حتی طنزآمیز نیز حضور دارد؛ از این‌رو، مرز آن با دیگر انواع ادبی همواره ثابت و قطعی نیست (شمیسا، ۱۳۸۳؛ کریمیان، ۱۳۹۸).

ادبیات تعلیمی فارسی در دوره کلاسیک بیشتر با آموزه‌های دینی، اخلاق فردی، حکمت عملی، عرفان، سیاست‌نامه‌نویسی و پند و اندرز پیوند داشت. آثاری چون «قابوس‌نامه»، «کلیله و دمنه»، «بوستان»، «گلستان»، «حدیقه» و بخش مهمی از مثنوی‌های عرفانی، نمونه‌هایی از تلفیق تعلیم با ساختارهای ادبی‌اند. در شعر نیز شاعرانی مانند رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، عطار، مولوی و سعدی، هریک متناسب با جهان‌بینی خود، از شعر برای آموزش و اصلاح اخلاق بهره برده‌اند. با ورود ادبیات فارسی به عصر جدید و گسترش مسائل ناشی از مشروطه، شهرنشینی و تحولات اجتماعی، مضامین سیاسی و اجتماعی، از جمله آزادی، عدالت، فقر، حقوق مردم و انتقاد از قدرت، در ادبیات تعلیمی برجستگی بیشتری یافتند (کریمیان، ۱۳۹۸؛ نبی‌لو و دادخواه، ۱۳۹۵).

ناصر خسرو یکی از برجسته‌ترین نمایندگان شعر تعلیمی کلاسیک است؛ زیرا در اشعار او، تعلیم اخلاقی با نظامی منسجم از اندیشه‌های دینی، کلامی و فلسفی پیوند دارد. او شعر را وسیله‌ای برای مدح‌گویی و سرگرمی نمی‌داند، بلکه آن را ابزاری برای دعوت به خرد، حقیقت، دانش و مسئولیت اخلاقی تلقی می‌کند. پروین نیز در دوره معاصر، با بهره‌گیری از قالب‌ها و امکانات شعر کلاسیک، ادبیات تعلیمی را به مسائل عینی جامعه جدید پیوند می‌دهد. از این‌رو، مطالعه تطبیقی این دو شاعر می‌تواند چگونگی گذار ادبیات تعلیمی از اخلاق دینی و حکمی به اخلاق اجتماعی و انتقادی را آشکار سازد (نبی‌لو و دادخواه، ۱۳۹۵؛ رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴).

۴-۲. جایگاه حکمت خراسانی در شعر فارسی

اصطلاح «حکمت خراسانی» در این پژوهش به معنای یک مکتب فلسفی کاملاً مستقل و دارای اصول یکسان نیست؛ بلکه برای اشاره به مجموعه‌ای از گرایش‌های خردورزانه، اخلاقی، دینی و انسان‌شناختی در آثار شماری از شاعران و متفکران حوزه فرهنگی خراسان به کار می‌رود. در این سنت، خرد، دانش، تجربه، پند، مسئولیت اخلاقی و تأمل در ناپایداری جهان از عناصر برجسته‌اند. بیان استوار، صراحت کلام، استدلال، واقع‌گرایی و توجه به مسائل انسانی و اجتماعی نیز از ویژگی‌هایی است که در بخش مهمی از شعر خراسانی مشاهده می‌شود. حکمت در این معنا تنها مجموعه‌ای از گزاره‌های فلسفی نیست، بلکه نگرشی سنجیده به انسان، جهان و شیوه درست زندگی است (زینی‌وند و خزلی، ۱۳۹۳).



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN

سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



OxfordCert
Universal



ناصر خسرو از برجسته‌ترین نمایندگان این گرایش حکمی است، اما حکمت او را نمی‌توان به حکمت عام یا مجموعه‌ای از پندهای پراکنده محدود کرد. نظام فکری وی از تعامل میان عقل، دین، تأویل، اخلاق و جهان‌شناسی اسماعیلی شکل گرفته است. عقل در اندیشه او زمانی به کمال می‌رسد که انسان را به شناخت حقیقت و دین هدایت کند و دانش نیز زمانی ارزشمند است که به اصلاح جان و عمل بینجامد. بر همین اساس، قصاید او در کنار مضامین اخلاقی، حاوی مفاهیم کلامی، فلسفی و سیاسی‌اند و مخاطب را به عبور از ظاهر، رهایی از تقلید و شناخت حقیقت فرا می‌خوانند (صدرایی، ۱۳۹۸؛ گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶).

نسبت پروین با حکمت خراسانی را نباید به معنای پذیرش تمامی بنیادهای مذهبی و فلسفی ناصر خسرو دانست. آنچه در شعر او استمرار می‌یابد، بیشتر ساختار اخلاقی و تعلیمی این سنت، مانند ستایش عقل و دانش، نکوهش جهل و حرص، بی‌اعتباری جاه و مال، دفاع از مظلوم و انتقاد از قدرت است. پروین این عناصر را از فضای کلامی و اسماعیلی ناصر خسرو جدا می‌کند و در زمینه مسائل اجتماعی دوران معاصر بازآفرینی می‌نماید. بدین ترتیب، حکمت در شعر او صورتی اجتماعی‌تر و تجربی‌تر پیدا می‌کند و در قالب منازره‌ها و تمثیل‌های عینی، به نقد نابرابری و رفتارهای غیراخلاقی می‌پردازد.

۵-۲. تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش

۱-۵-۲. اندیشه

منظور از «اندیشه» در این پژوهش، مجموعه‌ای منسجم از باورها، ارزش‌ها، دوری‌ها و نگرش‌های شاعر درباره انسان، جهان، جامعه، اخلاق و معرفت است که در سراسر آثار او تکرار و بازتولید می‌شود. بنابراین، یک مضمون منفرد یا یک بیت جداشده از بافت شعر را نمی‌توان نماینده قطعی اندیشه شاعر دانست. اندیشه زمانی قابل شناسایی است که یک مفهوم در مجموعه‌ای از اشعار، با بسامد و انسجام معنایی مشخص، تکرار شود و با دیگر اجزای جهان‌بینی شاعر ارتباط یابد. از این‌رو، تحلیل اندیشه‌های ناصر خسرو و پروین بر اساس مجموعه‌ای از شواهد هم‌سو و در پیوند با بافت کامل اشعار انجام خواهد شد.

۲-۵-۲. تأثیر

«تأثیر» به رابطه‌ای تاریخی و متنی گفته می‌شود که در آن بتوان نشان داد شاعر متأخر با آثار شاعر پیشین آشنا بوده و برخی عناصر آن را آگاهانه یا به واسطه سنت ادبی دریافت کرده است. اثبات تأثیر مستقیم نیازمند شواهدی چون اشاره شاعر به متن پیشین، نقل یا تضمین، همانندی ویژه و غیراتفاقی در ساختار و بیان، یا اطلاعات تاریخی درباره مطالعه و شناخت اثر است. در غیاب چنین شواهدی، شباهت دو متن نباید بی‌درنگ تأثیر نامیده شود؛ بلکه ممکن است حاصل توارد، منابع مشترک، اقتضای نوع ادبی یا حضور در یک سنت فکری باشد. به همین دلیل، پژوهش حاضر «تأثیر» را نتیجه تحقیق می‌داند، نه پیش‌فرض آن. در این مقاله، سه سطح از رابطه از یکدیگر متمایز می‌شوند: تأثیر مستقیم، که به شواهد مشخص تاریخی و متنی نیاز دارد؛ تأثیر غیرمستقیم، که از طریق سنت‌ها، کتاب‌های آموزشی، حافظه ادبی و آثار واسطه شکل می‌گیرد؛ و هم‌سویی فکری، که ممکن است بدون ارتباط مستقیم، در نتیجه توجه دو شاعر به مسائل مشترک اخلاقی و انسانی پدید آید. این تفکیک مانع از آن می‌شود که هر شباهت مضمونی به تقلید پروین از ناصر خسرو نسبت داده شود.

۳-۵-۲. سنت ادبی

«سنت ادبی» مجموعه‌ای تاریخی و پویا از زبان، قالب‌ها، انواع، مضامین، تصاویر، ارزش‌ها و قراردادهای ادبی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. سنت به معنای تکرار بدون تغییر گذشته نیست؛ زیرا هر شاعر عناصر موروثی را متناسب با تجربه فردی و شرایط اجتماعی عصر خود انتخاب، حذف، ترکیب و بازتفسیر می‌کند. در نتیجه، تداوم سنت همواره با تحول همراه است و اثر متأخر می‌تواند ضمن حفظ پیوند با گذشته، معنایی تازه و متفاوت تولید کند (آلن، ۲۰۰۰؛ ژنت، ۱۹۹۷).

منظور از سنت ادبی در این پژوهش، به‌طور خاص سنت اخلاقی و تعلیمی شعر فارسی است که مؤلفه‌هایی چون خردگرایی، پندآموزی، عدالت‌خواهی، نقد دنیا، نکوهش رذایل و دعوت به فضیلت را در قالب‌هایی مانند قصیده، قطعه، تمثیل و منازره انتقال



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان‌شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



داده است. ناصر خسرو یکی از صورت‌های برجسته این سنت را در سده پنجم نمایندگی می‌کند و پروین، با حفظ برخی ساختارها و مضامین آن، این میراث را در افق اجتماعی و فرهنگی دوره معاصر بازآفرینی می‌نماید. بنابراین، رابطه این دو شاعر را باید در تعامل میان میراث، انتخاب فردی و دگرگونی تاریخی تحلیل کرد.

۳. مبانی فکری و اندیشه‌ای ناصر خسرو قبادیانی

ناصر خسرو قبادیانی از شاعرانی است که میان زندگی فکری، عقیده دینی و آفرینش ادبی او پیوندی مستقیم و آشکار وجود دارد. شعر او نه محصول تفنن ادبی یا وابستگی به دستگاه‌های درباری، بلکه وسیله‌ای برای بیان حقیقتی است که شاعر خود را به تعلیم و دفاع از آن متعهد می‌داند. عقل‌گرایی دینی، دعوت به دانش، نقد تقلید، مبارزه با ظلم و ریا، نکوهش دلبستگی به دنیا و تأکید بر مسئولیت انسان در برابر سرنوشت اخروی، ارکان اصلی نظام اندیشه او را تشکیل می‌دهند. این مؤلفه‌ها در دیوان ناصر خسرو به صورت موضوعاتی پراکنده حضور ندارند، بلکه اجزای یک جهان‌بینی نسبتاً منسجم‌اند که در آن، معرفت دینی، اخلاق فردی و اصلاح اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌خورند (پیرانی، ۱۳۹۶؛ صدراپی، ۱۳۹۸).

۱-۳. عقل‌گرایی و جایگاه عقل در اندیشه ناصر خسرو

عقل بنیادی‌ترین مفهوم در نظام فکری ناصر خسرو است. او عقل را عطیه‌ای الهی و مهم‌ترین وجه تمایز انسان از دیگر موجودات می‌داند؛ نیرویی که انسان با آن می‌تواند نیک و بد، حقیقت و باطل و راه سعادت و گمراهی را از یکدیگر بازشناسد. باین‌حال، عقل‌گرایی ناصر خسرو را نمی‌توان عقل‌گرایی مستقل از دین یا در تعارض با وحی تلقی کرد. عقل مطلوب او عقلی است که انسان را به شناخت خداوند، پذیرش دین حق و فهم مراتب باطنی شریعت هدایت کند. از این‌رو، عقل، دین و دانش در جهان‌بینی وی سه حقیقت جداگانه نیستند؛ بلکه در مسیر دستیابی انسان به کمال، یکدیگر را تکمیل می‌کنند (پیرانی، ۱۳۹۶؛ گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶).

در نگاه ناصر خسرو، انسان بدون بهره‌گیری از عقل ممکن است از مرتبه انسانی فرو افتد و در سطح غرایز و تمایلات حیوانی باقی بماند. ارزش آدمی به جسم، ثروت، قدرت یا جایگاه اجتماعی او نیست، بلکه به میزان خردمندی و برخورداری او از دانش و کردار نیک وابسته است. به همین دلیل، شاعر پیوسته مخاطب را به پرسشگری، اندیشیدن و پرهیز از تقلید فرامی‌خواند. «چون و چرا» در شعر او نشانه سرکشی بیهوده نیست، بلکه نتیجه طبیعی عقل و وسیله‌ای برای عبور از ظاهر امور و دستیابی به حقیقت است. البته این پرسشگری باید در چارچوب نظام اعتقادی شاعر و با هدف شناخت حقیقت دینی انجام گیرد، نه در جهت انکار مطلق دین و وحی (پیرانی، ۱۳۹۶).

ناصر خسرو در یکی از قصاید خود، عقل را پادزهری در برابر فریب‌های جهان معرفی می‌کند:

این عالم ازدهاست وز ایزد تو را خرد

بازهر زهر این قوی و منکر ازدهاست

تصویر «جهان — ازدها» بیانگر نیروی فریبنده و ویرانگر دنیاست و «عقل — پادزهر» وسیله نجات انسان از این خطر محسوب می‌شود. عقل در این تصویر، مفهومی انتزاعی و منفعل نیست، بلکه نیرویی رهایی‌بخش است که انسان را در برابر دنیا، جهل و خواهش‌های نفسانی مقاوم می‌سازد. بدین ترتیب، خردورزی در شعر ناصر خسرو هم کارکرد معرفتی دارد و هم کارکرد اخلاقی؛ یعنی هم حقیقت را آشکار می‌کند و هم اراده انسان را برای عمل درست شکل می‌دهد (ناصرخسرو، قصیده ۴۰؛ پیرانی، ۱۳۹۶).

۲-۳. نقد اجتماع و ساختار قدرت

اندیشه اجتماعی ناصر خسرو از باورهای دینی و تجربه تاریخی او جدا نیست. وی در دورانی می‌زیست که قدرت سیاسی، دستگاه مذهبی رسمی و نظام مدیحه‌سرایی درباری پیوندی نزدیک داشتند. شاعرانی که به دستگاه حکومت وابسته بودند، با ستایش فرمانروایان و مشروعیت‌بخشیدن به قدرت آنان از ثروت و منزلت برخوردار می‌شدند. ناصر خسرو پس از تحول فکری و مذهبی



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

خود، از این نظام فاصله گرفت و قصیده را که عمدتاً قالب مدح درباری بود، به وسیله‌ای برای تعلیم، اعتراض و نقد قدرت تبدیل کرد. در نتیجه، مخالفت او با مدیحه‌سرایی تنها انتخابی زیبایی‌شناختی نبود، بلکه موضعی اخلاقی و سیاسی در برابر پیوند شعر، ثروت و سلطه به شمار می‌آمد (جمشیدیان و نوروزپور، ۱۳۹۱؛ جورابچی بخارایی و همکاران، ۱۴۰۲).

نقد اجتماعی ناصر خسرو طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و رفتارها را دربرمی‌گیرد. او فرمانروایان ستمگر، شاعران درباری، عالمان ریاکار، فقیهان وابسته به قدرت و مردمی را که از روی نادانی و تقلید از آنان پیروی می‌کنند، هدف انتقاد قرار می‌دهد. از نظر وی، قدرت سیاسی هنگامی خطرناک‌تر می‌شود که با تفسیر رسمی دین همراه گردد و اطاعت از حکومت به منزله اطاعت از حقیقت دینی معرفی شود. ناصر خسرو در برابر چنین ساختاری، گفتمانی معارض می‌آفریند که مشروعیت حکومت و کارگزاران مذهبی آن را به پرسش می‌کشد. اعتراض او، هرچند از جایگاه اعتقادی اسماعیلی صورت می‌گیرد، در سطحی گسترده‌تر، نقد فساد، ستم، نادانی و بهره‌برداری ابزاری از دین است (جورابچی بخارایی و همکاران، ۱۴۰۲).

امتناع شاعر از فروختن سخن به صاحبان قدرت در این بیت مشهور آشکار شده است:

من آنم که در پای خوگان نریزم

مر این قیمتی در لفظ دری را

«در لفظ دری» استعاره‌ای از ارزش زبان و شعر فارسی است و «خوگان» نماینده صاحبان قدرتی‌اند که از دید شاعر شایستگی دریافت چنین سخنی را ندارند. در اینجا، ناصر خسرو منزلت شاعر را نه در نزدیکی به سلطان، بلکه در استقلال اخلاقی و وفاداری به حقیقت می‌داند. او با این موضع، مناسبات متعارف میان شاعر و ممدوح را واژگون می‌کند و ارزش شعر را از پاداش مادی و تأیید سیاسی مستقل می‌سازد. از این رو، شعر وی را می‌توان نمونه‌ای برجسته از تبدیل قصیده مدحی به قصیده اعتراضی و تعلیمی دانست (ناصرخسرو، قصیده ۶؛ جمشیدیان و نوروزپور، ۱۳۹۱).

۳-۳. اخلاق دینی و زهد فلسفی

اخلاق در اندیشه ناصر خسرو بر پایه رابطه میان شناخت، ایمان و عمل شکل می‌گیرد. از دیدگاه او، دانشی که به اصلاح رفتار نینجامد، ارزش حقیقی ندارد و دینداری‌ای که از صداقت، عدالت، پرهیزگاری و رعایت حقوق دیگران تهی باشد، به ظاهرسازی و ریا تبدیل می‌شود. فضایل اخلاقی در شعر او شامل راستی، عدل، قناعت، بردباری، وفاداری، سخاوت، خویش‌داری و پرهیز از آزار دیگران است؛ در مقابل، جهل، حرص، حسد، دروغ، ریا، ستم و پیروی از خواهش‌های نفسانی از مهم‌ترین رذایل محسوب می‌شوند. اخلاق مطلوب ناصر خسرو، اخلاقی صرفاً فردی نیست، زیرا کردار هر انسان بر جامعه و سرنوشت دیگران نیز اثر می‌گذارد (منصوری، ۱۴۰۳).

زهد ناصر خسرو را نباید به معنای ترک مطلق زندگی اجتماعی یا نفی همه نعمت‌های مادی دانست. زهد در جهان‌بینی او بیش از هر چیز، آزادی از سلطه خواهش‌های نفسانی و دلبستگی افراطی به مال، جاه و لذت است. انسان زاهد در عین زندگی در جهان، ارزش حقیقی خود را به دارایی و موقعیت اجتماعی وابسته نمی‌سازد و میان نیازهای جسمانی و کمال روحانی تمایز برقرار می‌کند. این زهد با تأمل فلسفی درباره ناپایداری جهان و بقای جان همراه است؛ از این رو، می‌توان آن را «زهد فلسفی» نامید، زیرا بر شناخت ماهیت فانی دنیا و جایگاه انسان در نظام هستی استوار است (صدرایی، ۱۳۹۸؛ منصوری، ۱۴۰۳).

در اخلاق ناصر خسرو، مسئولیت انسان نقشی اساسی دارد. او ناکامی‌ها و تباهی‌های اخلاقی را تنها به فلک و روزگار نسبت نمی‌دهد، بلکه انسان را در برابر انتخاب‌های خویش مسئول می‌شمارد. آغاز قصیده مشهور «نکوهش مکن چرخ نیلوفری را» دقیقاً متوجه همین عادت فکری است که انسان، پیامد جهل و کردار نادرست خود را به گردش آسمان نسبت دهد. در این نگاه، سعادت نتیجه پیوند دانش، ایمان و عمل است و انسان نمی‌تواند بدون اصلاح خود، از جهان یا سرنوشت انتظار نیک‌بختی داشته باشد (ناصرخسرو، قصیده ۶).



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

۴-۳. نگاه به دنیا و آخرت

دنیا در شعر ناصر خسرو غالباً فضایی ناپایدار، فریبنده و گذراست. شاعر آن را گاه به دیو، اژدها، زن جادوگر، بازار، آسیا یا خانه‌ای موقت تشبیه می‌کند. این تصاویر بر یک معنای مرکزی دلالت دارند: دنیا نباید هدف نهایی زندگی انسان قرار گیرد. ثروت، جوانی، قدرت و زیبایی، همگی در معرض زوال‌اند و کسی که آن‌ها را پایدار می‌پندارد، در نتیجه غفلت و نادانی گرفتار فریب شده است. بالین حال، دنیا در نظام فکری ناصر خسرو کاملاً بی‌ارزش نیست؛ زیرا محل کسب دانش، آزمون اخلاقی و آماده‌شدن انسان برای حیات اخروی است. ارزش دنیا در وسیله‌بودن آن است، نه در تبدیل‌شدن آن به غایت وجود انسان (ناصرخسرو، قصیده ۳۱؛ جمشیدیان و نوروزپور، ۱۳۹۱).

ناصر خسرو میان فنای جسم و بقای جان تفاوت می‌گذارد. مرگ برای او نابودی مطلق انسان نیست، بلکه گذار از جهان محسوس به عالمی دیگر است که کیفیت آن با معرفت و کردار انسان در این جهان ارتباط دارد. آخرت در شعر وی مفهومی صرفاً ترس‌آفرین نیست، بلکه عرصه تحقق عدالت و آشکارشدن نتایج انتخاب‌های اخلاقی است. انسانی که در دنیا به دانش، دین و کردار نیک دست یافته باشد، از مرگ هراس بنیادین ندارد؛ اما کسی که زندگی خود را در جهل، ظلم و دنیاپرستی سپری کرده باشد، مرگ را پایان فرصت جبران می‌یابد (صدرایی، ۱۳۹۸).

این معنا در ابیات زیر به‌روشنی بیان شده است:

ترسیدن مردم ز مرگ دردی است

کان را به جز از علم دین دوا نیست

نزدیک خرد گوهر بقا را

از دانش به هیچ کیمیا نیست

در این ابیات، ترس از مرگ نتیجه ناآگاهی از حقیقت جان و آخرت تلقی شده و «علم دین» درمان آن دانسته شده است. همچنین دانش به کیمیایی تشبیه می‌شود که انسان را به «گوهر بقا» می‌رساند. پیوند میان خرد، دانش و بقا نشان می‌دهد که آخرت‌اندیشی ناصر خسرو از معرفت جدا نیست؛ انسان باید در همین جهان، با شناخت و عمل، ظرفیت بقای معنوی خویش را فراهم سازد (ناصرخسرو، قصیده ۳۱).

۵-۳. زبان تعلیمی و شیوه بیان

زبان ناصر خسرو زبانی استوار، صریح، جدلی و هدفمند است. در شعر او، لفظ وسیله آرایش بی‌هدف معنا نیست، بلکه در خدمت انتقال اندیشه و اقناع مخاطب قرار می‌گیرد. قصاید او از گزاره‌های حکمی، امر و نهی، پرسش‌های بلاغی، تشبیهات تمثیلی، استدلال‌های عقلی و شواهد دینی سرشارند. این ویژگی سبب می‌شود که بسیاری از قصاید وی به خطابه‌ای منظوم شباهت یابند که در آن، شاعر با مخاطبی واقعی یا فرضی سخن می‌گوید، باورهای او را نقد می‌کند و می‌کوشد وی را به پذیرش نتیجه‌ای معرفتی یا اخلاقی برساند (نبی‌لو و دادخواه، ۱۳۹۵؛ محمودی، ۱۳۹۳).

ناصر خسرو، برخلاف بسیاری از قصیده‌سرایان درباری، عناصر سنتی قصیده را در جهت بیان اندیشه دگرگون می‌کند. وصف طبیعت، پیری، گردش فصل‌ها و تغییرات جهان در شعر او غالباً مقدمه مدح نیست، بلکه شاهی بر ناپایداری دنیا و ضرورت رجوع به عقل و حقیقت است. بدین ترتیب، میان تصاویر آغاز قصیده و پیام تعلیمی آن پیوندی عمودی برقرار می‌شود و طبیعت از موضوعی صرفاً توصیفی به نشانه‌ای برای تأمل فلسفی تبدیل می‌گردد (جمشیدیان و نوروزپور، ۱۳۹۱).

۱-۵-۳. مناظره و خطاب

مناظره به معنای گفت‌وگوی داستانی گسترده، در دیوان ناصر خسرو به اندازه شعر پروین اعتصامی حضور ندارد؛ اما ساختار گفت‌وگویی و خطاب استدلالی از ویژگی‌های مهم زبان اوست. شاعر با واژه‌هایی چون «ای پسر»، «ای برادر»، «ای خواجه»، «ای



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

دل» و «ای خردمند» مخاطب را مستقیماً وارد فضای شعر می‌کند. گاهی نیز با جهان، نفس، فلک، مخالف مذهبی یا انسان غافل وارد گفت‌وگو می‌شود. این خطاب‌ها فاصله میان گوینده و مخاطب را کاهش می‌دهند و شعر را به مجلسی برای تعلیم، احتجاج و پاسخ‌گویی تبدیل می‌کنند (ایمانیان، ۱۳۹۳؛ محمودی، ۱۳۹۳).

پرسش‌های ناصر خسرو غالباً برای دریافت پاسخ ناشناخته مطرح نمی‌شوند، بلکه کارکرد بلاغی و استدلالی دارند. شاعر با طرح سؤال، تناقض موجود در باور یا رفتار مخاطب را آشکار می‌کند و او را در مسیری منطقی به سوی پاسخ مورد نظر هدایت می‌نماید. برای نمونه، در آغاز قصیده‌ای می‌پرسد: «خردمند را می‌چه گوید خرد؟» و بلافاصله پاسخ می‌دهد: «حذر کن ز بد». این پرسش و پاسخ، صورت فشرده‌ای از گفت‌وگوی تعلیمی است که در آن، عقل به شخصیتی سخنگو تبدیل می‌شود و حکم اخلاقی صادر می‌کند. چنین ساختاری زمینه‌ای مهم برای مقایسه با مناظرات پروین فراهیم می‌آورد، هرچند مناظره در شعر پروین روایت‌پردازانه‌تر و نمایشی‌تر است (ناصرخسرو، قصیده ۶۴؛ محمودی، ۱۳۹۳).

۳-۵-۲. تمثیل و استدلال

تمثیل در شعر ناصر خسرو نقش واسطه‌ای میان مفاهیم دشوار فلسفی و تجربه محسوس مخاطب دارد. شاعر برای توضیح عقل، جان، دنیا، دین، علم و جهل از پدیده‌هایی چون درخت، میوه، معدن، گوهر، اژدها، پادزهر، کشتی، دریا، دانه و محصول استفاده می‌کند. این تصاویر صرفاً برای زیباسازی سخن به کار نمی‌روند؛ بلکه هرکدام رابطه‌ای منطقی میان یک امر محسوس و معنایی اخلاقی یا معرفتی برقرار می‌کنند. بررسی مضامین تمثیلی شعر او نیز نشان می‌دهد که تشبیه تمثیلی و روایت‌های رمزی، حامل پیام‌های تعلیمی و بازتاب‌دهنده مبانی فکری اسماعیلی او هستند (حسینی کازرونی و خیاطان، ۱۳۹۶).

استدلال ناصر خسرو غالباً بر رابطه علت و معلول، تناسب میان عمل و نتیجه و قیاس محسوس و معقول استوار است. برای مثال، همان‌گونه که از کاشتن خار نمی‌توان شکر برداشت، از کردار ناپاک نیز نمی‌توان انتظار سعادت داشت. شاعر با بهره‌گیری از تجربه‌های ساده و قابل فهم، گزاره‌های اخلاقی خود را به نتایجی بدیهی نزدیک می‌کند. تمثیل، در این ساختار، بخشی از فرایند اقناع است و به مخاطب امکان می‌دهد مفهوم انتزاعی را در قالب تصویری روشن و ملموس دریابد (محمودی، ۱۳۹۳؛ حسینی کازرونی و خیاطان، ۱۳۹۶).

۳-۵-۳. تحلیل نمونه ابیات منتخب

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های پیوند دانش، اختیار و مسئولیت انسانی، این بیت است:

درخت تو گر بار دانش بگیرد

به زیر آوری چرخ نیلوفری را

در این بیت، وجود انسان به درخت و دانش به میوه آن تشبیه شده است. ارزش درخت به باروری و ارزش انسان به دانش اوست. ترکیب «به زیر آوردن چرخ» مبالغه‌ای شاعرانه برای بیان توانایی دانش در غلبه بر محدودیت‌های ظاهری و حوادث روزگار است. این بیت همچنین با آغاز همان قصیده ارتباط معنایی دارد؛ شاعر ابتدا انسان را از سرزنش فلک باز می‌دارد و سپس راه غلبه بر سرنوشت را در دانش‌اندوزی و اصلاح خویش نشان می‌دهد. بنابراین، خردگرایی ناصر خسرو به انفعال در برابر جهان نمی‌انجامد، بلکه به تقویت اختیار و مسئولیت انسان منتهی می‌شود (ناصرخسرو، قصیده ۶).

در نمونه‌ای دیگر، عقل به بالی برای رهایی جان تبدیل می‌شود:

خرد پرّ جان است، اگر بشکنیش

بدو جانت از این ژرف چون برپرد

«ژرف» در این بیت می‌تواند نشانه جهان مادی، جهل و سقوط اخلاقی باشد. همان‌گونه که پرنده بدون بال قادر به پرواز نیست، جان انسان نیز بدون عقل توان عبور از مرتبه مادی و دستیابی به کمال را ندارد. پرسش مصراع دوم پاسخی روشن و منفی در خود



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



OxfordCert
Universal

۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



دارد و از این رو، نمونه‌ای از پرسش بلاغی و خطاب اقناعی است. شاعر با تصویر بال و پرواز، مفهوم پیچیده تعالی جان به وسیله عقل را به تجربه‌ای محسوس تبدیل کرده است (ناصر خسرو، قصیده ۶۴).

نگرش ناصر خسرو به دنیا و اخلاق اجتماعی در ابیات زیر به یکدیگر پیوند می‌خورند:

چون نخواهی که ز دیگر کس جگر خسته شود

دیگران را خیره خیره دل چرا باید خلید؟

این بیت بر اصل تقابل و همسانی اخلاقی استوار است: آنچه انسان برای خود نمی‌پسندد، نباید برای دیگری نیز روا بداند. شاعر از مخاطب نمی‌خواهد که تنها برای نجات فردی خود زاهد و پرهیزگار باشد؛ بلکه اخلاق را در رابطه با دیگران تعریف می‌کند. پرسش بلاغی، مخاطب را در برابر تناقض رفتار خویش قرار می‌دهد و او را وادار می‌سازد تا معیار واحدی برای خود و دیگران بپذیرد. از این رو، اخلاق ناصر خسرو در کنار جنبه دینی، از ظرفیت اجتماعی آشکاری برخوردار است (ناصر خسرو، قصیده ۵۳).

در مجموع، ابیات منتخب نشان می‌دهند که عقل، دانش، اخلاق و آخرت در منظومه فکری ناصر خسرو اجزای جداگانه نیستند. عقل راه شناخت است، دانش ثمره به کارگیری عقل، اخلاق نمود عملی معرفت و آخرت عرصه ظهور نتایج کردار انسان است. زبان تمثیلی و استدلالی نیز این نظام فکری را از صورت گزاره‌هایی انتزاعی خارج می‌کند و به تجربه‌ای ادبی و اقناعی تبدیل می‌سازد. همین پیوند میان حکمت، اخلاق، نقد اجتماعی و بیان تعلیمی، مهم‌ترین زمینه برای بررسی بازتاب اندیشه‌های ناصر خسرو در شعر پروین اعتصامی است.

۴. بازتاب مؤلفه‌های تعلیمی و اخلاقی در شعر پروین اعتصامی

پروین اعتصامی از برجسته‌ترین نمایندگان شعر تعلیمی در ادبیات معاصر فارسی است. اهمیت او تنها در ادامه‌دادن سنت پند و حکمت شاعران کلاسیک خلاصه نمی‌شود، بلکه در چگونگی بازآفرینی این سنت برای بیان مسائل انسان و جامعه جدید نهفته است. او از قالب‌هایی چون قصیده، قطعه، مثنوی و مناظره و از زبانی متأثر از شعر کلاسیک بهره می‌گیرد؛ اما مضامینی مانند فقر، شکاف طبقاتی، فساد قضایی، ستم صاحبان قدرت، حقوق محرومان، ارزش علم و مسئولیت اجتماعی را در مرکز شعر خود قرار می‌دهد. بدین ترتیب، شعر پروین از یک سو با میراث اخلاقی و حکمی ادبیات فارسی پیوند دارد و از سوی دیگر، به مسائل عینی جامعه معاصر پاسخ می‌دهد (مشرف، ۱۳۹۰؛ مدرس‌زاده و ارباب سلیمانی، ۱۳۹۵).

۴-۱. ساختار فکری پروین و جایگاه او در ادبیات معاصر

ساختار فکری پروین بر پیوند سه مؤلفه اساسی استوار است: خردورزی، اخلاق و عدالت اجتماعی. در شعر او، اصلاح جامعه بدون تربیت اخلاقی فرد ممکن نیست و فضیلت فردی نیز زمانی ارزشمند است که به مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران بینجامد. از این رو، مفاهیمی چون دانش، کار، قناعت، بردباری، راستی و خودشناسی در کنار انتقاد از فقر، ظلم، آز، ریا و فساد قرار می‌گیرند. شاعر مخاطب را تنها به تهذیب فردی دعوت نمی‌کند، بلکه از او می‌خواهد نسبت به رنج دیگران، ساختار قدرت و پیامدهای اجتماعی رفتار خویش آگاه باشد.

پروین در صورت و زبان شعر، پیوندی استوار با سنت کلاسیک دارد. بسیاری از قصاید او یادآور زبان و استواری شعر خراسانی و عراقی‌اند و تمثیل‌ها و حکایت‌هایش از میراث ادبی سعدی، ناصر خسرو، سنایی و مولوی بهره می‌برند. با این حال، این پیوند به تقلید صرف محدود نمی‌شود؛ زیرا شاعر عناصر موروثی را در فضایی تازه به کار می‌گیرد و به شخصیت‌هایی چون کارگر، یتیم، پیرزن، زندانی و زن محروم امکان سخن گفتن می‌دهد. همین حضور گروه‌های فرودست، در کنار تلفیق قالب‌های کهن با مسائل جدید، جایگاه پروین را در میان سنت و تجدد تثبیت می‌کند (مشرف، ۱۳۹۰؛ مدرس‌زاده و ارباب سلیمانی، ۱۳۹۵).

جنبه تعلیمی شعر پروین نیز با نوعی استقلال فکری و عاطفی همراه است. او اگرچه از زبان و مضامین شاعران مرد پیش از خود تأثیر پذیرفته، تجربه زنانه، عاطفه مادری و همدلی با محرومان را به شکلی برجسته وارد شعر تعلیمی کرده است. به همین سبب،



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

زبان پندآموز او صرفاً آمرانه و خطابی نیست، بلکه غالباً با شفقت، گفت‌وگو و روایت همراه می‌شود. این ویژگی، شعر او را از بازگویی ساده حکمت‌های پیشینیان متمایز و به یکی از صورت‌های خلاقانه ادبیات تعلیمی معاصر تبدیل کرده است (مدرس‌زاده و ارباب سلیمانی، ۱۳۹۵).

۲-۴. عدالت اجتماعی و نقد نابرابری

عدالت اجتماعی یکی از محوری‌ترین مفاهیم دیوان پروین است. شاعر جامعه را از منظر محرومان و بی‌قدرتانی می‌نگرد و فقر را تنها نتیجه ضعف یا تنبلی فردی نمی‌داند، بلکه آن را با نابرابری در توزیع ثروت، فساد صاحبان قدرت و بی‌توجهی نهادهای اجتماعی مرتبط می‌سازد. شخصیت‌هایی چون یتیم، پیرزن، رنجبر و فقیر در شعر او صرفاً موضوع ترحم نیستند؛ آنان گاه به سخنگویان حقیقت تبدیل می‌شوند و سازوکارهای پنهان ظلم را آشکار می‌سازند. در مقابل، پادشاه، قاضی، محتسب و توانگر هنگامی ارزش دارند که وظیفه اخلاقی و اجتماعی خویش را انجام دهند؛ در غیر این صورت، عنوان و منصب آنان پوششی برای ستم و منفعت‌طلبی خواهد بود (مجدالدین، ۱۳۸۷).

در قطعه «اشک یتیم»، تاج پادشاه که در ظاهر نشانه شکوه و اقتدار است، از منظر پیرزن محروم حاصل رنج مردم معرفی می‌شود:

نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت

این اشک دیده‌من و خون دل شماست

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است

این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست

تقابل میان «شبان» و «گرگ» نشان می‌دهد که قدرت سیاسی در ظاهر خود را حامی مردم معرفی می‌کند، اما در عمل از دارایی و زندگی آنان تغذیه می‌کند. پروین با قراردادن حقیقت در زبان پیرزنی گوژپشت، سلسله‌مراتب رسمی قدرت و معرفت را واژگون می‌سازد: کسی که از کمترین منزلت اجتماعی برخوردار است، ماهیت واقعی قدرت را بهتر از دیگران می‌شناسد (اعتصامی، «اشک یتیم»).

در شعر «ای رنجبر» نیز شاعر از همدردی منفعلانه فراتر می‌رود و کارگر را به شناخت حقوق خویش دعوت می‌کند:

از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی

چند می‌ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر

عبارت «کن پرسشی» بر نقش آگاهی در رهایی اجتماعی تأکید دارد. رنجبر نباید وضعیت ناعادلانه خود را امری طبیعی و تغییرناپذیر بداند، بلکه باید درباره رابطه میان کار، قدرت و بهره‌مندی پرسش کند. بدین ترتیب، تعلیم اخلاقی در شعر پروین با آگاهی اجتماعی پیوند می‌خورد و شاعر، عدالت را نه بخشی از سوی توانگران، بلکه حقی انسانی تلقی می‌کند (اعتصامی، «ای رنجبر»؛ مجدالدین، ۱۳۸۷).

۳-۴. عقلانیت و اخلاق‌گرایی

عقل در شعر پروین نیروی تشخیص، تدبیر و مهار خواهش‌های نفسانی است. عقلانیت او، برخلاف عقل فلسفی و کلامی ناصر خسرو، بیشتر صورتی عملی و تربیتی دارد. انسان خردمند کسی است که فریب ظاهر را نمی‌خورد، ارزش زمان و تجربه را می‌شناسد، از آز و غرور دوری می‌کند و میان گفتار و کردار خویش هماهنگی برقرار می‌سازد. علم نیز زمانی ارزش دارد که به فضیلت و عمل نیک منتهی شود؛ در غیر این صورت، ممکن است به ابزاری برای خودنمایی و برتری‌طلبی تبدیل گردد. پروین در قصیده‌ای علم و هنر را به کیمیایی تشبیه می‌کند که ماهیت انسان را دگرگون می‌سازد:

گویند عارفان هنر و علم کیمیاست

وان مس که گشت همسر این کیمیاطلاست



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN

سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



OxfordCert
Universal



تو مردمی و دولت مردم فضیلت است

تنها وظیفه تو همی نیست خواب و خاست

تشبیه وجود انسان به «مس» و علم و هنر به «کیمیا» نشان می‌دهد که انسانیت امری صرفاً طبیعی و ازپیش‌داده‌شده نیست، بلکه باید از طریق آگاهی، فضیلت و کوشش تحقق یابد. در این نگاه، کسی که زندگی را به نیازهای جسمانی محدود کند، هنوز توانایی‌های انسانی خود را به فعلیت نرسانده است. از این رو، علم در شعر پروین با خودسازی، استقلال فکری و مسئولیت اجتماعی ارتباط می‌یابد (اعتصامی، قصیده شماره ۹؛ مشرف، ۱۳۹۰).

اخلاق‌گرایی پروین نیز تنها به توصیه‌هایی چون قناعت، صبر و پرهیزگاری محدود نیست. او رذایل فردی را با پیامدهای اجتماعی آن‌ها می‌سنجد: آز توانگر به محرومیت فقیر می‌انجامد، فساد قاضی اعتماد عمومی را نابود می‌کند، خودخواهی حاکم موجب گسترش ستم می‌شود و جهل مردم زمینه فریب آنان را فراهم می‌سازد. در نتیجه، فضیلت اخلاقی از دید او زمانی کامل است که فرد حقوق دیگران را رعایت کند و در برابر رنج و بی‌عدالتی بی‌تفاوت نماند.

۴-۴. شیوه مناظره‌ای در شعر پروین

مناظره مهم‌ترین شگرد روایی و تعلیمی پروین است. در این شیوه، دو شخصیت انسانی، حیوانی، گیاهی یا حتی دو شیء بی‌جان در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و درباره مسئله‌ای اخلاقی یا اجتماعی گفت‌وگو می‌کنند. شخصیت‌بخشی به اشیا و جانوران سبب می‌شود که مفاهیم انتزاعی در قالب موقعیتی محسوس و نمایشی عرضه شوند. به جای آنکه شاعر نتیجه اخلاقی را مستقیماً بیان کند، شخصیت‌ها با استدلال، پرسش، پاسخ و افشای تناقض‌های یکدیگر، زمینه کشف معنا را فراهم می‌آورند (نورایی و عزیزی، ۱۳۹۴).

ساختار بسیاری از مناظرات پروین بر تقابل ظاهر و حقیقت بنا شده است. شخصیتی که ظاهراً از قدرت، دانش یا اعتبار بیشتری برخوردار است، در جریان گفت‌وگو نادانی یا فساد خود را آشکار می‌کند و شخصیت فرودست با استدلال بر او غلبه می‌یابد. در «دزد و قاضی»، قاضی از دزد درباره شغلش می‌پرسد و پاسخ دزد مرز میان جرم فردی و فساد نهادی را از میان می‌برد:

گفت: هان، برگوی شغل خویشتن

گفت: هستم همچو قاضی راهزن

تو قلم بر حکم داور می‌بری

من ز دیوار و تو از در می‌بری

تفاوت دزد و قاضی نه در ماهیت عمل، بلکه در پوشش قانونی آن است. دزد «از دیوار» وارد می‌شود و جرمش آشکار است؛ قاضی «از در» وارد می‌شود و با استفاده از منصب و قانون، همان عمل را مشروع جلوه می‌دهد. در این مناظره، فرد متهم به مفسر عدالت تبدیل می‌شود و صاحب منصب در جایگاه مجرم واقعی قرار می‌گیرد (اعتصامی، «دزد و قاضی»). قطعه «مست و هشیار» نیز بر همین وارونگی استوار است:

گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی

گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان

گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست

محتسب در ظاهر نماینده قانون و هشیاری است، اما درخواست رشوه نشان می‌دهد که از آگاهی اخلاقی بی‌بهره است. در مقابل، مرد مست با پاسخ‌های منطقی خود، ناهمواری ساختار اجتماعی و فساد مأمور قانون را آشکار می‌کند. بدین ترتیب، مناظره در شعر



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

پروین تنها وسیله‌ای برای پندآموزی نیست، بلکه امکانی برای نقد قدرت و بازنمایی صدهای سرکوب‌شده به شمار می‌آید (اعتصامی، «مست و هشیار»؛ نورایی و عزیزی، ۱۳۹۴).

۴-۵. نگاه به انسان و مسئولیت اجتماعی

انسان در جهان فکری پروین موجودی مختار، تربیت‌پذیر و مسئول است. ارزش او به ثروت، مقام، ظاهر و نسب وابسته نیست، بلکه از علم، فضیلت، کار و رعایت حقوق دیگران حاصل می‌شود. انسان می‌تواند با بهره‌گیری از عقل و تجربه بر جهل و ضعف خود غلبه کند؛ اما این تعالی بدون کوشش و پذیرش مسئولیت امکان‌پذیر نیست. پند و آموزش تنها راه را نشان می‌دهند و پیمودن آن بر عهده خود فرد است.

این اندیشه در حکایت «آرزوی پرواز» به‌روشنی بیان شده است. جوجه‌ای که پیش از کسب توانایی کافی قصد پرواز دارد، با شکست روبه‌رو می‌شود و مادر به او می‌آموزد که رشد به تدریج و عمل نیاز دارد:

نگردد پخته کس با فکر خامی

نیوید راه هستی را به گامی

ز تو سعی و عمل باید، ز من پند

به تنهایی ندارد پندت سودی

مادر مانع استقلال جوجه نیست، بلکه می‌کوشد میان آرزو، توانایی و تجربه تعادل برقرار کند. عبارت «ز تو سعی و عمل باید، ز من پند» حدود مسئولیت آموزگار و متعلم را مشخص می‌سازد: تعلیم بدون کوشش مخاطب بی‌اثر است. این نگرش نشان می‌دهد که هدف ادبیات تعلیمی پروین، پرورش انسانی منفعل و مطیع نیست، بلکه تربیت فردی آگاه، مستقل و مسئول است (اعتصامی، «آرزوی پرواز»).

مسئولیت انسانی در شعر پروین تنها به خودسازی محدود نمی‌شود. فرد در برابر دیگران نیز مسئول است و بی‌اعتنایی به رنج فقیر، یتیم، کارگر و زن محروم نشانه نقصان اخلاقی به شمار می‌رود. از این‌رو، انسان مطلوب پروین کسی است که علاوه بر خرد و فضیلت شخصی، توانایی همدلی و دفاع از عدالت را داشته باشد. در این نظام اخلاقی، بزرگی انسان نه با میزان قدرت، بلکه با اندازه سودی سنجیده می‌شود که به دیگران می‌رساند.

۴-۶. تحلیل نمونه ابیات منتخب

ابیات «اشک یتیم» نمونه‌ای روشن از نقد ساختار قدرت در شعر پروین‌اند. تاج پادشاه در ظاهر با گوهرهای گران‌بها می‌درخشد، اما پیرزن این درخشندگی را حاصل اشک یتیمان و خون دل مردم می‌داند. شاعر با این جابه‌جایی معنایی، نماد شکوه سلطنت را به نشانه ظلم تبدیل می‌کند. همچنین تشبیه پادشاه به گرگی در پوشش شبان، نشان می‌دهد که قدرت زیان‌بار همیشه با خشونت آشکار عمل نمی‌کند، بلکه گاه خود را در زبان حمایت و خیرخواهی پنهان می‌سازد.

در «ای رنجبر»، خطاب مستقیم و تکرار عبارت «ای رنجبر» فضای شعر را به خطابه‌ای اعتراضی تبدیل می‌کند. شاعر از کارگر می‌خواهد حقوق پایمال‌شده خود را بشناسد و در برابر مناسباتی که حاصل کار را از او می‌گیرد، سکوت نکند. در این شعر، فقر سرنوشتی تغییرناپذیر نیست، بلکه نتیجه ساختاری ناعادلانه است. بنابراین، آگاهی از حق، نخستین مرحله‌ی رهایی از ظلم تلقی می‌شود.

«دزد و قاضی» نمونه‌ای برجسته از کاربرد طنز و مناظره برای نقد فساد است. عبارت «من ز دیوار و تو از در می‌بری» در کوتاه‌ترین صورت، تفاوت میان دزدی آشکار و فساد مشروع‌نمای نهادی را نشان می‌دهد. قاضی از اقتدار قانون برخوردار است، اما چون قانون را در خدمت منفعت خود قرار داده، از دزد نیز زیان‌بارتر شده است. در این شعر، پروین عدالت را از شکل رسمی آن جدا و بر بنیاد اخلاق و رعایت حقوق دیگران تعریف می‌کند.



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN

سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



OxfordCert
Universal



قصیده «گویند عارفان هنر و علم کیمیاست» نیز ساختار تربیتی اندیشه پروین را بازنمایی می‌کند. علم، هنر و فضیلت سه عامل اصلی تحقق انسانیت‌اند و زندگی محدود به خواب، خوراک و آسایش، با شأن انسان سازگار نیست. این تأکید بر دانش و فضیلت، پروین را به سنت حکمی ناصر خسرو نزدیک می‌کند؛ با این تفاوت که عقلانیت ناصر خسرو در نظام دینی و اسماعیلی او جای می‌گیرد، اما عقلانیت پروین عمدتاً خصلتی اخلاقی، اجتماعی و تربیتی دارد.

در مجموع، مؤلفه‌های تعلیمی شعر پروین در پیوند میان عقل، فضیلت، عمل و عدالت شکل می‌گیرند. مناظره و تمثیل، آموزه‌های او را از حالت پند مستقیم خارج می‌کنند و به آن‌ها ساختاری روایی و استدلالی می‌بخشند. او با ادامه سنت اخلاقی شعر فارسی، شخصیت‌ها و مسائل جامعه جدید را وارد ادبیات تعلیمی می‌کند و از این طریق، حکمت کلاسیک را به ابزاری برای نقد نابرابری، فساد و بی‌مسئولیتی اجتماعی تبدیل می‌سازد.

۵. تحلیل تطبیقی اندیشه‌های ناصر خسرو و پروین اعتصامی

مقایسه اندیشه‌های ناصر خسرو و پروین اعتصامی از وجود پیوندی معنادار میان دو صورت تاریخی شعر تعلیمی فارسی حکایت دارد. هر دو شاعر، شعر را صرفاً وسیله‌ای برای ایجاد لذت هنری نمی‌دانند، بلکه آن را ابزاری برای بیدارسازی مخاطب، ترویج خرد، اصلاح اخلاق و نقد نابسامانی‌های اجتماعی به کار می‌گیرند. باین حال، همانندی‌های موجود به معنای یکسانی کامل دستگاه فکری آنان نیست. ناصر خسرو در فضای فکری و مذهبی سده پنجم هجری، اندیشه‌های خود را در چارچوبی دینی، فلسفی و اسماعیلی سامان می‌دهد؛ درحالی‌که پروین، در متن تحولات اجتماعی پس از مشروطه، همان میراث اخلاقی و تعلیمی را با مسائل جامعه جدید، به‌ویژه فقر، نابرابری، فساد اداری و مسئولیت اجتماعی، پیوند می‌زند. بنابراین، رابطه این دو شاعر را باید در تعامل میان اشتراک فکری، تفاوت تاریخی و بازآفرینی ادبی تحلیل کرد، نه در قالب تقلید ساده شاعر متأخر از شاعر پیشین (رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴؛ مدرس‌زاده و ارباب سلیمانی، ۱۳۹۵).

۱-۵. اشتراکات فکری

مهم‌ترین زمینه‌های اشتراک ناصر خسرو و پروین را می‌توان در عقل‌گرایی، اخلاق‌محوری و نقد اجتماعی جست‌وجو کرد. این سه مؤلفه در شعر آنان از یکدیگر جدا نیستند؛ عقل زمینه تشخیص نیک و بد را فراهم می‌کند، اخلاق صورت عملی این شناخت است و نقد اجتماعی نتیجه گسترش مسئولیت اخلاقی از فرد به جامعه محسوب می‌شود. هر دو شاعر، انسان را موجودی برخوردار از اختیار و مسئولیت می‌دانند و جهل، حرص، خودخواهی و دلبستگی به قدرت و ثروت را موانع اصلی کمال او معرفی می‌کنند. باین حال، هر یک از آنان این اصول مشترک را در دستگاه معرفتی و شرایط تاریخی خاص خود صورت‌بندی کرده است.

۱-۱-۵. عقل‌گرایی

عقل در جهان فکری هر دو شاعر منزلتی بنیادین دارد. ناصر خسرو، عقل را موهبتی الهی و راهنمای انسان در شناخت حقیقت، دین و سرنوشت خویش می‌داند. خرد در اشعار او نیرویی است که آدمی را از تقلید، جهل و فریب ظواهر رها می‌کند و زمینه دستیابی به معرفت دینی را فراهم می‌سازد. تأکید او بر دانش و خرد، در بیت مشهور زیر با مفهوم اختیار و مسئولیت انسانی پیوند می‌خورد:

درخت تو گر بار دانش بگیرد

به زیر آوری چرخ نیلوفری را

در این بیت، دانش میوه وجود انسان و عامل غلبه او بر حوادث و محدودیت‌های ظاهری جهان معرفی شده است. شاعر انسان را از سرزنش آسمان و نسبت‌دادن شکست‌های خود به تقدیر بازمی‌دارد و راه اصلاح سرنوشت را در کسب دانش و تربیت نفس می‌جوید. بنابراین، عقل‌گرایی ناصر خسرو، افزون بر جنبه معرفتی، دارای نتیجه‌ای اخلاقی است: انسان خردمند باید مسئولیت کردار خویش را بپذیرد و به جای تسلیم‌شدن در برابر جهل و عادت، برای اصلاح خود بکوشد (پیرانی، ۱۳۹۶؛ گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶).



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

پروین نیز علم و عقل را شرط تحقق انسانیت می‌داند:

گویند عارفان هنر و علم کیمیاست

وان مس که گشت همسر این کیمیا طلاست

تو مردمی و دولت مردم فضیلت است

تنها وظیفه تو همی نیست خواب و خاست

در این ابیات، علم و هنر به کیمیایی تشبیه شده‌اند که وجود خام انسان را دگرگون می‌کنند. همان‌گونه که دانش در شعر ناصر خسرو «درخت وجود» را بارور می‌سازد، در شعر پروین نیز «مس» وجود را به «طلا» تبدیل می‌کند. در هر دو تصویر، انسانیت یک وضع طبیعی و کامل شده نیست، بلکه قابلیت است که باید با دانش، فضیلت و کوشش فعلیت یابد. این قرابت تصویری و مفهومی، اشتراک دو شاعر را در اعتقاد به نیروی تربیتی علم نشان می‌دهد.

با این حال، عقل در شعر پروین کمتر به نظامی فلسفی و کلامی وابسته است. عقلانیت او عمدتاً عملی، اخلاقی و اجتماعی است و به انسان کمک می‌کند که فریب ظاهر، قدرت و زبان ریاکارانه را تشخیص دهد. در مناظراتی مانند «مست و هشیار» و «دزد و قاضی»، شخصیت فرودست با استدلال، تناقض گفتار صاحب قدرت را آشکار می‌کند. بنابراین، عقل در شعر پروین نه فقط وسیله شناخت حقیقت کلی، بلکه ابزاری برای افشای فساد و تشخیص ناعادلانه بودن مناسبات اجتماعی است. می‌توان گفت عقل ناصر خسرو بیشتر در پی کشف حقیقت دینی و تعالی جان است، در حالی که عقل پروین، ضمن حفظ جهت‌گیری معنوی، به تدبیر زندگی، تربیت انسان و نقد جامعه نیز می‌پردازد (اصلانی راجعونی و همکاران، ۱۴۰۲).

۵-۲. اخلاق محوری

اخلاق در شعر ناصر خسرو و پروین، نتیجه طبیعی آگاهی و خرد است. هر دو شاعر دانشی را که به کردار درست منتهی نشود، بی‌ارزش یا ناقص می‌دانند. ناصر خسرو مخاطب را به راستی، قناعت، پرهیزگاری، کم‌آزاری و مسئولیت در برابر دیگران فرامی‌خواند و حرص، دروغ، ریا و خودخواهی را نشانه غلبه نفس و فقدان خرد معرفی می‌کند. اخلاق او اگرچه بر مبانی دینی و اعتقاد به آخرت استوار است، به رابطه انسان با دیگران نیز توجه دارد:

چون نخواهی که ز دیگر کس جگر خسته شود

دیگران را خیره‌خیره دل چرا باید خلید؟

مبنای اخلاقی این بیت، پذیرش معیاری یکسان برای خود و دیگری است. انسان نمی‌تواند رفتاری را که برای خویش زیان‌بار و ناخوشایند می‌داند، در حق دیگران روا بدارد. بدین ترتیب، اخلاق دینی ناصر خسرو از حوزه عبادت و تهذیب فردی فراتر می‌رود و به رعایت حقوق دیگران می‌انجامد.

همین پیوند میان اخلاق فردی و مسئولیت اجتماعی در شعر پروین نیز آشکار است. او رذایلی مانند آز، خودبینی، دروغ، تن‌آسایی و غرور را تنها به دلیل زیان آن‌ها برای فرد نکوهش نمی‌کند، بلکه پیامدهای اجتماعی‌شان را نیز نشان می‌دهد. حرص توانگر موجب محرومیت فقیر، فساد قاضی باعث پایمال شدن عدالت و خودخواهی فرمانروا سبب رنج مردم می‌شود. بنابراین، در شعر پروین، فضیلت اخلاقی زمانی معنا می‌یابد که در رفتار انسان با دیگران ظاهر شود.

اشتراک دیگر دو شاعر، تأکید بر همراهی پند و عمل است. ناصر خسرو دانایی بی‌کردار و عبادت بی‌معرفت را فاقد ارزش حقیقی می‌داند. پروین نیز در «آرزوی پرواز» می‌گوید:

ز تو سعی و عمل باید، ز من پند

به تنهایی ندارد پندت سودی



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان‌شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

پند در این بیت زمانی ثمربخش است که مخاطب خود برای تحقق آن بکوشد. در نتیجه، تعلیم در شعر هر دو شاعر به اطاعت منفعلانه منتهی نمی‌شود، بلکه انسان را به پذیرش مسئولیت و تبدیل آگاهی به کنش دعوت می‌کند. تفاوت اصلی آن است که ناصر خسرو عمل اخلاقی را در پیوندی آشکار با رستگاری دینی و اخروی قرار می‌دهد، اما پروین بیشتر بر نتایج تربیتی و اجتماعی رفتار در همین جهان تأکید می‌کند.

۳-۱-۵. نقد اجتماعی

ناصر خسرو و پروین هر دو در برابر ظلم، فساد و بهره‌برداری صاحبان قدرت از مردم موضعی انتقادی دارند. ناصر خسرو شاعران درباری، عالمان ریاکار، حاکمان ستمگر و مردمی را که از روی جهل از آنان پیروی می‌کنند، نکوهش می‌کند. امتناع او از مدح صاحبان قدرت در بیت زیر، اعلام استقلال اخلاقی شاعر است:

من آنم که در پای خوگان نریزم

مر این قیمتی در لفظ دری را

ناصر خسرو با ارزش‌گذاری سخن فارسی و تحقیر ممدوحان ناشایست، رابطه سنتی شاعر و دربار را واژگون می‌کند. شعر در نظر او کالایی برای کسب ثروت نیست، بلکه وسیله بیان حقیقت و مقابله با قدرت ناحق است. نقد اجتماعی او غالباً صریح، خطاب‌ی و همراه با جدال عقیدتی است و از تجربه شخصی او در مواجهه با ساختار سیاسی و مذهبی زمانه جدا نیست (نبی‌لو و دادخواه، ۱۳۹۵).

پروین نیز ساختار قدرت را نقد می‌کند، اما بیشتر از شیوه‌های روایی، تمثیلی و مناظره‌ای بهره می‌گیرد. در «اشک یتیم»، تاج پادشاه به نماد رنج و استعمار مردم تبدیل می‌شود:

این اشک دیده‌ی من و خون دل شماست

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است

این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست

در اینجا، پیرزن فقیر حقیقتی را بیان می‌کند که دستگاه رسمی قدرت پنهان ساخته است. پادشاه به جای شبان، گرگی است که در پوشش حمایت از مردم، آنان را قربانی می‌کند. همان‌گونه که ناصر خسرو مشروعیت اخلاقی حاکمان را به پرسش می‌کشد، پروین نیز شکوه سلطنت را از منظر محرومان بازخوانی می‌کند.

نقد پروین، افزون بر فرمانروایان، متوجه نهادهای قضایی و اداری نیز هست. در «دزد و قاضی»، فساد فرد صاحب‌منصب از جرم دزد خطرناک‌تر معرفی می‌شود:

تو قلم بر حکم داور می‌بری

من ز دیوار و تو از در می‌بری

ناصر خسرو بیشتر به صورت مستقیم و با صدای شخصی خود سخن می‌گوید؛ اما پروین سخن انتقادی را در زبان دزد، مست، یتیم، پیرزن، کارگر یا حتی اشیا و حیوانات قرار می‌دهد. باوجود تفاوت شیوه بیان، هر دو شاعر از شعر برای سلب مشروعیت اخلاقی از قدرت فاسد استفاده می‌کنند. در شعر ناصر خسرو، اعتراض به قدرت با دفاع از حقیقت دینی پیوند دارد؛ در شعر پروین، این اعتراض بیشتر بر عدالت اجتماعی، حقوق فرودستان و فساد نهادهای رسمی متمرکز است (مجدالدین، ۱۳۸۷؛ رزاق‌زاده شبستری، ۱۳۹۴).

۵-۲. تفاوت‌های اندیشه‌ای

شباهت‌های موجود نباید به نادیده‌گرفتن تفاوت‌های بنیادین دو شاعر منجر شود. ناصر خسرو و پروین در دو بستر تاریخی، معرفتی و اجتماعی متفاوت زیسته‌اند و همین تفاوت، نوع عقل‌گرایی، اخلاق، زهد و زبان انتقادی آنان را دگرگون کرده است. ناصر خسرو



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



صاحب نظامی فلسفی و مذهبی نسبتاً منسجم است و شعر خود را در خدمت تبیین و دفاع از آن قرار می‌دهد؛ اما پروین متفکری نظام‌ساز یا متکلم نیست و اندیشه‌هایش بیشتر از مشاهده زندگی، اخلاق عمومی، میراث ادبی و مسائل جامعه معاصر سرچشمه می‌گیرند.

۱-۲-۵. زمینه تاریخی و فرهنگی

ناصر خسرو در سده پنجم هجری و در فضایی آکنده از منازعات سیاسی و مذهبی می‌زیست. وابستگی او به دعوت اسماعیلی، تجربه سفر، رویارویی با دستگاه قدرت و انزوای اجباری در یمگان، به شعرش لحنی اعتقادی، جدلی و مبارزه‌جویانه بخشیده است. او خود را حامل حقیقتی دینی می‌داند که باید آن را در برابر جهل، تقلید و سلطه مذهبی رسمی بیان کند. از این رو، مفاهیمی چون عقل، دین، تأویل، امام، جان و آخرت در دستگاه فکری او به یکدیگر پیوسته‌اند و نمی‌توان عقل‌گرایی او را از زمینه اسماعیلی و فلسفی آثارش جدا ساخت (صدرايي، ۱۳۹۸؛ پیرانی، ۱۳۹۶).

پروین در سال‌های پس از انقلاب مشروطه و هم‌زمان با گسترش آموزش جدید، مطبوعات، اندیشه اصلاح اجتماعی و شکل‌گیری نهادهای اداری نوین زیست. جامعه‌ای که او تصویر می‌کند، با مسائلی چون فقر شهری، شکاف طبقاتی، فساد اداری، محرومیت زنان، بی‌عدالتی قضایی و دشواری زندگی کارگران روبه‌روست. بنابراین، شعر تعلیمی او از عرصه مباحث کلامی و فرقه‌ای فاصله می‌گیرد و به مسائل ملموس‌تر جامعه توجه می‌کند. قاضی، محتسب، مأمور، رنجبر، یتیم، زن و پیرزن از شخصیت‌های اصلی این جهان شعری‌اند.

تفاوت زمینه تاریخی سبب می‌شود که مفهوم اصلاح نیز نزد آنان متفاوت باشد. ناصر خسرو اصلاح را در بازگشت به عقل، دین حق و معرفت باطنی می‌بیند؛ پروین آن را در علم‌آموزی، فضیلت، کار، آگاهی از حقوق، همدلی و اصلاح مناسبات اجتماعی جست‌وجو می‌کند. به بیان دیگر، اصلاح در شعر ناصر خسرو بیشتر صورتی معرفتی — دینی دارد، درحالی‌که در شعر پروین جنبه تربیتی - اجتماعی آن برجسته‌تر است.

۲-۲-۵. شدت و نوع زهد

دنیاهایی یکی از زمینه‌های مشترک میان دو شاعر است، اما شدت و مبنای آن یکسان نیست. ناصر خسرو دنیا را غالباً فریبنده، ناپایدار و مانع توجه انسان به حقیقت جاودان می‌داند. جهان مادی نزد او محل آزمون و گذر است و ارزش آن به اندازه‌ای است که انسان را برای سعادت اخروی آماده کند. ثروت، جاه، جوانی و لذت‌های جسمانی اگر به هدف زندگی تبدیل شوند، آدمی را از کمال جان دور می‌سازند. زهد او از نظامی فلسفی و آخرت‌شناختی سرچشمه می‌گیرد و با تقابل جان و تن، بقا و فنا و ظاهر و باطن پیوند دارد.

پروین نیز بارها از ناپایداری دنیا، بی‌وفایی روزگار، حرص و دلبستگی به مال سخن می‌گوید؛ اما زهد او معمولاً اعتدالی‌تر و اجتماعی‌تر است. او کار، علم، تربیت، آبادانی زندگی و کوشش برای عدالت را ارزشمند می‌داند و انسان را به کناره‌گیری کامل از جامعه دعوت نمی‌کند. مخالفت وی بیشتر با دنیاپرستی، تن‌پروری و تبدیل ثروت به وسیله سلطه بر دیگران است، نه با فعالیت اجتماعی و بهره‌مندی مسئولانه از زندگی.

در نتیجه، زهد ناصر خسرو را می‌توان زهدی معرفتی و فلسفی دانست که از آگاهی نسبت به فانی جسم و بقای جان ناشی می‌شود؛ اما زهد پروین عمدتاً اخلاقی و اصلاح‌گراانه است. قناعت نزد او به معنای نفی حق فقیر یا پذیرش ظلم نیست؛ چنان‌که در «ای رنجبر»، مخاطب را به مطالبه حقوق پایمال‌شده خویش دعوت می‌کند. بنابراین، دعوت پروین به قناعت بنیاد از دعوت او به عدالت تفکیک‌شده است: قناعت فضیلتی برای مهار آز فردی است، نه ابزاری برای توجیه نابرابری اجتماعی.

۳-۲-۵. زبان و بیان ادبی



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

زبان ناصر خسرو استوار، خطابی، صریح و جدلی است. قالب اصلی او قصیده است و شاعر اغلب از جایگاه گوینده‌ای آگاه و مقتدر، مخاطب را به اندیشیدن، پرسیدن و اصلاح رفتار فرا می‌خواند. امر و نهی، پرسش بلاغی، خطاب مستقیم، استدلال عقلی و تمثیل‌های فلسفی از مهم‌ترین عناصر زبان او هستند. در شعر وی، گوینده معمولاً پنهان نمی‌شود و خود مسئولیت داوری و تعلیم را بر عهده می‌گیرد.

زبان پروین نیز از استواری و واژگان کلاسیک برخوردار است، اما ساختار گفت‌وگویی و روایی در آن گسترده‌تر است. او غالباً داوری خود را به شخصیت‌های شعر واگذار می‌کند و نتیجه اخلاقی را از تقابل دو صدا پدید می‌آورد. مناظره‌های او میان انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و اشیا شکل می‌گیرند و از تشخیص، تمثیل، طنز، کنایه و وارونگی موقعیت بهره می‌برند. پژوهش درباره استدلال‌ورزی در مناظرات پروین نیز نشان داده است که مناظره‌های او صرفاً گفت‌وگوهایی تزئینی نیستند، بلکه از ساختارهای استدلالی برای اثبات دعاوی اخلاقی و اجتماعی برخوردارند (سبزواری بیدختی و همکاران، ۱۴۰۰).

تفاوت زبان دو شاعر را می‌توان تفاوت میان «خطابه» و «نمایش گفت‌وگویی» دانست. ناصر خسرو بیشتر با مخاطب سخن می‌گوید و او را مستقیماً به پذیرش حقیقت دعوت می‌کند؛ پروین موقعیتی می‌آفریند که در آن، مخاطب از مشاهده گفت‌وگو و تعارض شخصیت‌ها به نتیجه می‌رسد. زبان ناصر خسرو در اثر زمینه اعتقادی او گاه تند، قاطع و ستیزه‌جوست؛ زبان پروین، با وجود صراحت انتقادی، غالباً از طنز، عاطفه و روایت برای تعدیل خطابه و افزایش اثرگذاری استفاده می‌کند.

۳-۵. تداوم سنت حکمی خراسانی

رابطه پروین با ناصر خسرو را می‌توان یکی از نمونه‌های استمرار سنت حکمی و تعلیمی در شعر فارسی دانست. در این سنت، شعر با خرد، اخلاق، پند، مسئولیت انسان، ناپایداری دنیا و نقد صاحبان قدرت پیوند می‌یابد. ناصر خسرو یکی از برجسته‌ترین صورت‌های این سنت را در سده پنجم پدید آورده است: قصیده‌ای که به جای مدح، از دانش، دین، اخلاق و حقیقت سخن می‌گوید. پروین نیز در عصر معاصر از ظرفیت همین قالب‌ها و مضامین بهره می‌گیرد، اما آن‌ها را با تجربه تاریخی و اجتماعی جدید پیوند می‌دهد.

تداوم سنت در شعر پروین به معنای حفظ بدون تغییر میراث ناصر خسرو نیست. او برخی عناصر آن سنت را برمی‌گزیند، برخی را کنار می‌گذارد و برخی را دگرگون می‌کند. عقل و دانش را حفظ می‌کند، اما آن‌ها را از نظام خاص فلسفی و اسماعیلی به حوزه تربیت عمومی و آگاهی اجتماعی منتقل می‌سازد. نقد قدرت را ادامه می‌دهد، اما به جای تمرکز بر منازعه مذهبی و مشروعیت اعتقادی حکومت، فساد قاضی، محتسب، پادشاه، توانگر و نهادهای اجتماعی را تصویر می‌کند. زهد و نکوهش دنیا را می‌پذیرد، اما آن را با ارزش کار، تحصیل، مطالبه حق و حضور مسئولانه در جامعه همراه می‌سازد.

پروین همچنین با وارد کردن تجربه زنان، مادران، کودکان، کارگران و فرودستان به شعر تعلیمی، دامنه این سنت را گسترش می‌دهد. پژوهش مدرس‌زاده و ارباب سلیمانی نشان می‌دهد که همین رنگ زنانه و توجه ویژه به تجربه‌های کمتر بازنمایی‌شده، پروین را از سطح تقلید شاعران پیشین فراتر برده و به او امکان داده است سبکی مستقل پدید آورد. از این رو، می‌توان گفت شعر او نه نسخه‌ای معاصر از شعر ناصر خسرو، بلکه بازآفرینی بخشی از میراث تعلیمی او در افقی تازه است (مدرس‌زاده و ارباب سلیمانی، ۱۳۹۵).

بنابراین، تداوم سنت حکمی خراسانی در شعر پروین در سه سطح مشاهده می‌شود: در سطح فکری، از طریق ستایش عقل، علم و فضیلت؛ در سطح اخلاقی، از طریق نکوهش حرص، جهل، ریا و ظلم؛ و در سطح ادبی، از طریق بهره‌گیری از قصیده، خطاب، تمثیل و استدلال. در مقابل، تحول این سنت نیز در اجتماعی‌تر شدن مفاهیم، گسترش ساختار مناظره، برجسته‌شدن صدای فرودستان و کاهش وابستگی اندیشه به نظام کلامی خاص آشکار می‌شود.

۴-۵. بازتعریف مفهوم «تأثیر» در این پژوهش



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



کاربرد مفهوم «تأثیر» در بررسی رابطه ناصر خسرو و پروین نیازمند احتیاط روش شناختی است. مشابهت در یک مضمون عمومی، مانند ستایش علم، نکوهش دنیا یا دعوت به عدالت، به تنهایی نمی تواند تأثیر مستقیم را اثبات کند؛ زیرا این مضامین در آثار بسیاری از شاعران و متون دینی و اخلاقی فارسی حضور دارند. اثبات تأثیر مستقیم زمانی امکان پذیر است که شواهدی چون نقل، تضمین، اشاره صریح، همانندی ویژه لفظی و ساختاری یا سند تاریخی روشنی درباره استفاده شاعر متأخر از متن پیشین وجود داشته باشد.

مطالعات مربوط به پروین، آشنایی گسترده او با شعر کلاسیک و دیوان شاعرانی چون ناصر خسرو، سنایی، سعدی و مولوی را تأیید می کنند. بنابراین، احتمال بهره گیری او از زبان و سنت تعلیمی ناصر خسرو قابل انکار نیست؛ اما این آشنایی نباید به این نتیجه شتاب زده بینجامد که همه همانندی ها حاصل اقتباس مستقیم اند. بسیاری از اشتراکات می توانند از منابع مشترک دینی و اخلاقی، ساختار عمومی ادبیات تعلیمی یا حضور دو شاعر در حافظه فرهنگی فارسی ناشی شده باشند (مدرس زاده و ارباب سلیمانی، ۱۳۹۵).

بر این اساس، مفهوم تأثیر در پژوهش حاضر در سه سطح تعریف می شود. سطح نخست، «تأثیر مستقیم متنی» است که به شواهد لفظی و ساختاری مشخص نیاز دارد. سطح دوم، «تأثیر غیرمستقیم سنتی» است؛ یعنی دریافت مؤلفه های فکری و ادبی از طریق نظام آموزشی، حافظه ادبی، مطالعه آثار کلاسیک و حضور گسترده مضامین حکمی در فرهنگ فارسی. سطح سوم، «هم سویی فکری» است که ممکن است بدون وابستگی مستقیم، از مواجهه دو شاعر با مسائل مشترک انسانی، مانند جهل، ظلم، حرص و مسئولیت اخلاقی، پدید آمده باشد.

یافته های تحلیل تطبیقی نشان می دهد که رابطه پروین و ناصر خسرو را بیش از آنکه بتوان به اقتباس مستقیم و خطی فروکاست، باید در سطح تأثیر غیرمستقیم، تداوم سنت تعلیمی و بازآفرینی خلاقانه تحلیل کرد. پروین از میراثی بهره می گیرد که ناصر خسرو یکی از مهم ترین نمایندگان آن است؛ اما آن میراث را در زبان، تجربه و مسائل عصر خویش دگرگون می سازد. از این رو، واژه «تأثیر» در عنوان پژوهش، در معنای عملیاتی خود، بر بازتاب، استمرار و تحول مؤلفه های فکری دلالت دارد، نه بر تقلید یا وابستگی کامل شعر پروین به ناصر خسرو.

نتیجه آنکه پیوند میان این دو شاعر، رابطه ای میان «اصل» و «نسخه» نیست، بلکه گفت و گویی تاریخی میان دو صورت از ادبیات تعلیمی فارسی است. ناصر خسرو، عقل و اخلاق را در چارچوب حقیقت دینی، تعالی جان و مبارزه اعتقادی صورت بندی می کند؛ پروین همان عناصر را در زمینه تربیت انسان معاصر، عدالت اجتماعی و دفاع از فرودستان بازمی سازد. بدین ترتیب، شعر پروین هم ادامه سنت ناصر خسرو است و هم نقد و توسعه آن؛ زیرا عناصر موروثی را حفظ می کند، اما جهت، زبان و کارکرد اجتماعی تازه ای به آن ها می بخشد.

۶. بحث و تحلیل نهایی

۱-۶. پاسخ به پرسش های پژوهش

یافته های پژوهش نشان داد که مهم ترین مؤلفه های مشترک در شعر ناصر خسرو و پروین اعتصامی عبارت اند از عقل گرایی، دانش ستایی، اخلاق محوری، نکوهش جهل و حرص، نقد قدرت و دفاع از انسان فرودست. باین حال، بازتاب این عناصر در شعر پروین را نمی توان صرفاً نتیجه تأثیر مستقیم دانست؛ زیرا بخشی از این همانندی ها به حضور هر دو شاعر در سنت گسترده ادبیات تعلیمی فارسی و بهره گیری آنان از منابع اخلاقی و دینی مشترک بازمی گردد. تفاوت بافت تاریخی نیز سبب شده است که عقلانیت ناصر خسرو بیشتر صورت دینی و فلسفی داشته باشد، در حالی که عقلانیت پروین عمدتاً اخلاقی، تربیتی و اجتماعی است.

۲-۶. تبیین جایگاه بینامتنی دو شاعر



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

رابطه میان آثار دو شاعر را می‌توان نوعی پیوند بینامتنی در سطح مضمون، نوع ادبی و نظام ارزشی دانست. پروین از مؤلفه‌هایی چون قصیده تعلیمی، خطاب، تمثیل، استدلال، ستایش علم و نقد دنیاپرستی بهره می‌گیرد که در شعر ناصر خسرو نیز جایگاهی برجسته دارند. باین همه، نبود شواهد کافی از اقتباس مستقیم سبب می‌شود که این رابطه بیش از آنکه بینامتنیت صریح و لفظی باشد، در سطح هم‌گرایی فکری، سرمتمی و استمرار یک سنت ادبی تحلیل شود.

۳-۶. جایگاه پروین در امتداد سنت ناصر خسرو

پروین را می‌توان ادامه‌دهنده خلاق سنت حکمی و تعلیمی ناصر خسرو دانست، نه مقلد او. وی مؤلفه‌های بنیادین این سنت، مانند عقل، علم، اخلاق، قناعت و نقد قدرت را حفظ کرده، اما آن‌ها را با مسائل جامعه معاصر، از جمله فقر، حقوق کارگران، فساد قضایی و نابرابری اجتماعی پیوند داده است. همچنین استفاده گسترده از مناظره، طنز و شخصیت‌بخشی به اشیا و حیوانات، به این میراث صورتی نمایشی‌تر و اجتماعی‌تر بخشیده است.

۴-۶. نوآوری پژوهش

نوآوری اصلی پژوهش در تفکیک میان «تأثیر مستقیم»، «هم‌سوایی فکری» و «تداوم سنت ادبی» است. پژوهش حاضر به جای اکتفا به شباهت‌های مضمونی، مؤلفه‌های مشترک را در ارتباط با تفاوت‌های تاریخی، دینی و اجتماعی دو شاعر بررسی کرده است. همچنین نشان داده شد که پروین ضمن دریافت میراث تعلیمی شعر فارسی، آن را به‌گونه‌ای مستقل و متناسب با نیازهای عصر خود بازآفرینی کرده است.

۷. نتیجه‌گیری

۱-۷. جمع‌بندی یافته‌ها

تحلیل تطبیقی آثار ناصر خسرو و پروین اعتصامی نشان داد که شعر هر دو بر پیوند عقل، دانش، اخلاق و مسئولیت انسانی استوار است. آنان جهل، حرص، ریا، ظلم و وابستگی به قدرت و ثروت را نکوهش می‌کنند و شعر را وسیله‌ای برای اصلاح فرد و جامعه می‌دانند. تفاوت اصلی آن‌ها در مبانی و جهت‌گیری این مفاهیم است؛ ناصر خسرو آن‌ها را در چارچوب اندیشه دینی، اسماعیلی و آخرت‌گرای خود صورت‌بندی می‌کند، درحالی‌که پروین همان عناصر را بیشتر در زمینه تربیت انسان و نقد نابرابری‌های اجتماعی به کار می‌گیرد.

۲-۷. نتیجه نهایی پژوهش

بر پایه یافته‌های این پژوهش، نمی‌توان همه همانندی‌های فکری و بیانی میان ناصر خسرو و پروین اعتصامی را به تأثیر مستقیم و قطعی نسبت داد. شباهت در مفاهیمی چون عقل‌گرایی، دانش‌ستایی، اخلاق‌محوری، نکوهش جهل و حرص، بی‌اعتباری جاه و ثروت، نقد قدرت و دفاع از محرومان، از یک سو می‌تواند نشان‌دهنده آشنایی پروین با میراث شعری ناصر خسرو باشد و از سوی دیگر، نتیجه حضور هر دو شاعر در سنت گسترده ادبیات تعلیمی فارسی تلقی شود. از این رو، مفهوم «تأثیر» در این پژوهش نه به معنای تقلید لفظی و وابستگی کامل، بلکه به معنای بازتاب، استمرار و دگرگونی برخی مؤلفه‌های مشترک فکری و ادبی در نظر گرفته شده است.

تحلیل اشعار نشان داد که ناصر خسرو و پروین، هر دو شعر را وسیله‌ای برای بیداری ذهن مخاطب و اصلاح انسان و جامعه می‌دانند؛ اما مبانی و جهت‌گیری آنان یکسان نیست. ناصر خسرو عقل، اخلاق و دانش را در چارچوب جهان‌بینی دینی، اسماعیلی و آخرت‌گرای خویش معنا می‌کند و رهایی انسان را در پیوند میان عقل، دین، معرفت و کردار صالح می‌بیند. در مقابل، پروین همین مفاهیم را از محدوده یک نظام کلامی خاص فراتر می‌برد و آن‌ها را با مسائل ملموس جامعه معاصر، از جمله فقر، نابرابری، فساد



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان‌شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

اداری، ستم طبقاتی و مسئولیت صاحبان قدرت پیوند می‌زند. به همین دلیل، اندیشه تعلیمی در شعر او صورتی اجتماعی‌تر، تربیتی‌تر و انسانی‌تر یافته است.

از نظر شیوه بیان نیز پروین، میراث تعلیمی شعر کلاسیک را عیناً تکرار نکرده است. ناصر خسرو بیشتر از زبان صریح، خطابی، جدلی و استدلالی بهره می‌گیرد و خود در جایگاه گوینده حقیقت با مخاطب سخن می‌گوید؛ اما پروین اغلب اندیشه خود را از طریق مناظره، تمثیل، طنز، شخصیت‌بخشی و گفت‌وگوی نمایشی بیان می‌کند. این تفاوت نشان می‌دهد که پروین نه تنها محتوای سنت تعلیمی را بازخوانی کرده، بلکه در شیوه عرضه و اثرگذاری آن نیز دست به نوآوری زده است. حضور یتیمان، زنان، کارگران، پیرزنان و دیگر گروه‌های فرودست در شعر او، دامنه اجتماعی ادبیات تعلیمی را گسترش داده و به آن صدایی تازه بخشیده است. بر این اساس، پروین اعتصامی را باید ادامه‌دهنده خلاق سنت حکمی و اخلاقی ناصر خسرو دانست، نه مقلد مستقیم او. او برخی از عناصر بنیادین این سنت را دریافت کرده، با تجربه تاریخی و اجتماعی عصر خود درآمیخته و در قالبی تازه بازآفرینی کرده است. بنابراین، رابطه میان دو شاعر را می‌توان نوعی گفت‌وگوی تاریخی و بینامتنی میان دو مرحله از تحول ادبیات تعلیمی فارسی تلقی کرد؛ گفت‌وگویی که در آن، خرد، اخلاق و عدالت از سده پنجم هجری به ادبیات معاصر انتقال یافته‌اند، اما در این انتقال، معنا، کارکرد و شیوه بیان آن‌ها دگرگون شده است.

نتیجه نهایی آن است که تأثیر اندیشه‌های ناصر خسرو بر شعر پروین بیش از آنکه در قالب اقتباس مستقیم و آشکار قابل اثبات باشد، در سطح استمرار یک سنت فکری، اخلاقی و ادبی قابل تبیین است. پروین با حفظ پیوند خود با میراث کلاسیک، آن را به نیازهای انسان و جامعه معاصر نزدیک کرده و از این طریق، جایگاه مستقلی در تاریخ شعر تعلیمی فارسی به دست آورده است. از این رو، ارزش شعر او نه فقط در وفاداری به سنت، بلکه در توانایی او برای دگرگون کردن آن و تبدیل حکمت گذشته به زبانی برای نقد و اصلاح جامعه جدید نهفته است.

منابع

ابراهیمی‌فر، طاهره، و دشتی، فرزانه. (۱۳۹۲). نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی. پژوهش‌های سیاسی، ۳(۶)، ۸-۳۶.
اعتصامی، پروین. (۱۳۶۳). دیوان قصاید و مثنویات و تمثیلات و مقطعات پروین اعتصامی (به اهتمام ابوالفتح اعتصامی، چاپ هشتم). ابوالفتح اعتصامی.

اصلانی راجعونی، عاطفه، نوروزی داوودخانی، ثورالله، اسداللهی، خدابخش، و شادمنان، محمدرضا. (۱۴۰۲). بررسی رویکرد شاعرانه ناصر خسرو و پروین اعتصامی به مفهوم انسان و تبیین هنری آن. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۳۶-۵۳.

<https://doi.org/10.22034/IAS.2022.331755.1886>

ایمانیان، حسین. (۱۳۹۳). خطاب استدلالی در شعر ناصر خسرو قبادیانی و کمیت بن زید اسدی. ادبیات تطبیقی، ۶(۱۱)، ۱-۲۴.

<https://doi.org/10.22103/jcl.2015.907>

بیگزاده، خلیل، و صفی‌زاده، علی. (۱۳۹۴). بازنمایی اصول کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین اعتصامی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۲۸(۲)، ۱۴۵-۱۶۴.

پیرانی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی مفهوم و منشأ «عقل» در اندیشه ناصر خسرو بر مبنای دیوان قصاید. تاریخ ادبیات، ۸۰(۸)، ۲۷-۴۸.
جمشیدیان، همایون، و نوروزپور، لیل. (۱۳۸۹). نوآوری‌های ناصر خسرو در سنت قصیده‌سرایی فارسی. تاریخ ادبیات، ۲(۳/۱)، ۶۶-۹۲.
جورابچی، فرزانه، شایان‌سرشت، اکبر، و حمیدی، سمیه. (۱۴۰۲). تحلیل و بازخوانی قصاید ناصر خسرو بر اساس نظریه تاریخ‌گرایی نوین. مطالعات ایرانی، ۲۲(۴۴)، ۲۸۳-۳۰۹.

<https://doi.org/10.22103/jis/jis.2024.20262.2391>

حسینی کازرونی، سید احمد، و خیاطان، لیل. (۱۳۹۶). مضامین تمثیلی در اشعار ناصر خسرو. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، ۹(۳۳)، ۸-۱۹.



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

3rd International Conference on Social Studies, Literature, History & Archaeology

SEPTEMBER 22, 2026 | TEHRAN



سومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی، ادبیات، تاریخ و باستان‌شناسی



۳۱ شهریور ۱۴۰۵ - تهران



OxfordCert
Universal

رزاق‌زاده شبستری، سولماز. (۱۳۹۴). بررسی اشعار پروین اعتصامی از زاویه ادبیات تعلیمی و تأثرات آن از شعر ناصر خسرو. تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۳۱(۳)، ۱-۱۰.

سبزواری بیدختی، ویدا، روزبهنی، سعید، امیراحمدی، ابوالقاسم، و داوودی، محمد. (۱۴۰۰). بررسی شیوه استدلال‌ورزی در مناظرات پروین اعتصامی بر اساس نظریه تولمین. شعرپژوهی (بوستان ادب)، ۱۳(۱/پیاپی ۴۷)، ۱۷۹-۲۰۴.

صدراپی، رقیه. (۱۳۹۸). تقابل و تعامل شعر تعلیمی ناصر خسرو با سنت‌های نوافلاطونی و حکمت نبوی. متن‌پژوهی ادبی، ۸۱(۱)، ۱۳۵-۱۶۴.

شریف‌پور، عنایت‌الله، و مرجع‌زاده، سعیده. (۱۳۹۳). بررسی بازتاب روحيات پروین اعتصامی در توصیه‌های اخلاقی وی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۲۲(۲)، ۶۵-۹۶.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). انواع ادبی. فردوس.

گلستانی، سید هاشم، کشتی‌آرای، نرگس، و کاظمی، سمیه. (۱۳۹۶). تحلیل دیدگاه ناصر خسرو پیرامون دو مفهوم عقل و دین. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۱(۳/پیاپی ۷۲)، ۴۳۷-۴۵۳.

گلی‌زاده، پروین، ابراهیمی، مختار، و اشکانی، مریم. (۱۴۰۱). تحلیل پیوندهای بینامتنی قصاید پروین اعتصامی و غزلیات حافظ بر مبنای رویکرد بینامتنیت ژنت. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۱۴(۵۴)، ۱-۳۰.

کاظمی، سمیه، و فرخی‌نژاد، پریرسا. (۱۳۹۸). تبیین اندیشه ناصر خسرو در حوزه عقل و خردگرایی و استنتاج آموزه‌های اخلاقی آن. پژوهش‌های اخلاقی، ۱۰(۲/پیاپی ۳۸)، ۲۲۱-۲۴۰.

کریمیان، مریم، مهربان قزل‌حصار، جواد، و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۹۸). تحلیل ادبیات تعلیمی در انواع ادبی دیگر قرن چهاردهم: نظم. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۱۱(۴۳)، ۸۶-۱۳۰.

مدرس‌زاده، عبدالرضا، و ارباب سلیمانی، صدیقه. (۱۳۹۵). زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۲۹(۸)، ۹۱-۱۲۰.

مجدالدین، اکبر. (۱۳۸۷). انعکاس نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی. پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ۵۷(۳)، ۳۶۵-۳۹۶.

مشرف، مریم. (۱۳۹۰). مفهوم تجدد و رویکرد نئوکلاسیک در دیوان پروین اعتصامی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۳(۱۱)، ۱۳۵-۱۵۲.

ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمیدالدین. (۱۳۹۳). دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی (مجتبی مینوی و مهدی محقق، مصححان؛ چاپ نهم). انتشارات دانشگاه تهران.

نبی‌لو، علیرضا، و دادخواه، فرشته. (۱۳۹۵). بررسی بوطیقای شعر تعلیمی در اشعار ناصر خسرو. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۸(۲۹)، ۱-۳۲.

نورایی، الیاس، و عزیزی، لیدا. (۱۳۹۴). دستور زبان روایت در ادبیات تعلیمی: با تکیه بر ساختار روایت و جایگاه روایت‌شنو در مناظرات پروین اعتصامی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۷(۲۵)، ۱۸۵-۲۱۱.

Allen, Graham. (2000). Intertextuality. Routledge.

Genette, Gérard. (1997). Palimpsests: Literature in the second degree (Channa Newman & Claude Doubinsky, Trans.). University of Nebraska Press. (Original work published 1982)

Kristeva, Julia. (1980). Desire in language: A semiotic approach to literature and art (Leon S. Roudiez, Ed.; Thomas Gora, Alice Jardine, & Leon S. Roudiez, Trans.). Columbia University Press.